





در مجله سراج چه هدفی را
دنبال می کنید
۳۸



بیکارترین رشته های
دانشگاهی
۵۲



نظر امام باقر درباره استخاره
۴۶



دلایل عقبگرد انقلابیون

|صفحه دوازده|



پایان محافظه کاری

|صفحه بیست و هفت|



غرب با ژن ایرانی مشکل دارد نه تعداد سائتریفیوژها

|صفحه سی و چهار|

شماره مجوز : ۴۴۳/ک/ش؛ مورخ ۹۳/۹/۶

مدیر مسئول و سردبیر: دکتر رضا سعیدی

گرافیک و صفحه آرای: امیرحسین طاهری مقدم

پایگاه نسخه الکترونیکی نشریه: Seraj24.blogfa.com

آدرس پست الکترونیک: Seraj2400@gmail.com



داعشی های شیعه نما

۴۰



چگونه می توان یک فوتبالیست
را با یک دانشمند یا پزشک مقایسه کرد

۲۲



اجرای اسلام وظیفه ای
همگانی است

۱۴



پیام امید به روشنفکر مسئول

|صفحه سی و یک|



وظایف فرهنگی حکومت

|صفحه هشت|



زیبا کلام و تفکر ما نمی توانیم

|صفحه بیست و نه|

همکاران این شماره:

دکتر غلامحسین خدایی | دکتر وحید صادقی |

خانم زهرا سادات احمدی | خانم مریم سعیدی | خانم فاطمه فتحعلی زاده | خانم مریم توکلی |

حق ویرایش، حذف و اصلاح مطالب برای نشریه محفوظ است.

مطالب مندرج در نشریه بیانگر نظر نویسندگان آن است

ما نمی دانیم از این عار چطور خارج شویم؟!

ابه بهانه گرد و خاک های اخیر آل سقوط |

کعبه لیاقت میزبانی سربازان و میهمانان خدا را ندارند و جز تامین امریکا و اسرائیل و تقدیم منافع کشورشان به آنان کاری از دستشان بر نمی آید، بدین خوبی نمی توانستیم بیان کنیم و اگر می خواستیم به دنیا ثابت کنیم که حکومت آل سعود، این وهابیه های پست بیخبر از خدا بسان خنجرند که همیشه از پشت در قلب مسلمانان فرو رفته اند، به این اندازه که کارگزاران ناشی و بی اراده حاکمیت سعودی در این قساوت و بی رحمی عمل کرده اند، موفق نمی شدیم و حقا که این وارثان ابی سفیان و ابی لهب و این رهروان راه یزید روی آنان و اسلاف خویش را سفید کرده اند.

آل سعود لعنة الله و

ملائکته و رساله علیهم

و لازم است در نوحه ها و اشعار مرثیه و اشعار ثنای از ائمه حق - علیهم السلام الله - به طور کوبنده فجایع و ستمگریهای ستمگران هر عصر و مصر یادآوری شود؛ و در این عصر که عصر مظلومیت جهان اسلام به دست امریکا و شوروی و سایر وابستگان به آنان و از آن جمله آل سعود، این خائنین به حرم بزرگ الهی - لعنة الله و ملائکته

و رساله علیهم - است به طور کوبنده یادآوری و لعن و نفرین شود.

این ننگ را نباید مابه

گور ببریم

این ننگ را نباید مابه گور ببریم که ما بودیم، دیدیم در حضور ما بزرگترین جنایت واقع شد و حالا هم آنها طلبکار هستند از ما. کشتار حجاج، توطئه ای از پیش طراحی شده این توطئه بی اشکال، یک توطئه سابق بود، هیچ اشکالی در این نیست که یک سابقه ای داشت این توطئه، بنا داشتند بر اینکه این امر واقع بشود، تحمیل کرده بودند بر آل سعود احمق، که یک همچو کار احمقانه ای بکند و خودش را در تمام دنیا منحنط کند. قضیه کشته شدن نیست، قضیه هتک احترام است. ... اینها مسائلی است که همه

اش بغرنج است و ما نمی دانیم که از این عار چطور خارج بشویم.

جنگ را تحمل کردم اما

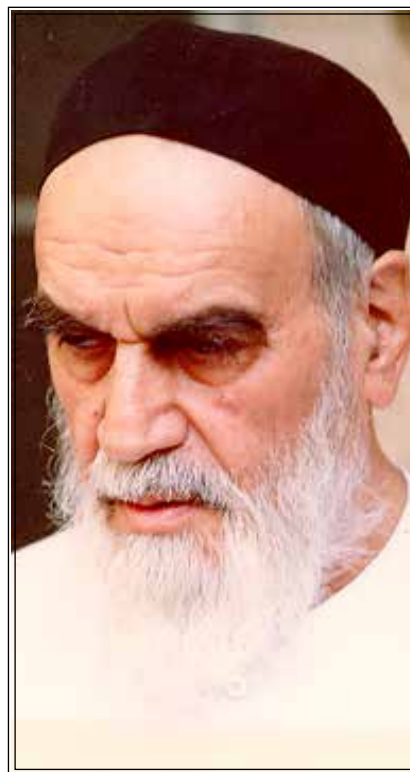
این رانه!

من واقعا در مسائل خیلی تحمل داشتم، در مسائل جنگ، در همه اینها تحمل داشتم. اما این بی تحمل کرده من را. مسئله غیر از این مسائل است.

آل سعود وارثان

ابوسفیان و یزید

اگر می خواستیم به جهان اسلام ثابت کنیم که کلیدداران کنونی



اگر ما از مسئله قدس بگذریم، اگر ما از صدام بگذریم، اگر ما از همه کسانی که به ما بدی کردند بگذریم، نمی توانیم از مسئله حجاج بگذریم. مسئله حجاج یک باب دیگری است، غیر مسائل دیگر. و لازم است زنده نگه داشتن این روز، روزی که این خیانت شد به اسلام، مسئله بالاتر از این مسائل است و باید ما با همه قوایی که داریم، مسلمین با همه قوایی که دارند و دنیا، آنها را که به خدا اعتقاد دارند با همه قوایی که دارند، باید با این مسئله مجاربه کنند، به هر طوری که خودشان صلاح می دانند.

آقایہ خاطر دل زینب ظہور کن...

این روزها که شیعه کشی رخ نموده است
شاید نوید آمدنت را دلالت است
آقا! شکایت دلمان را کجا بریم
"عجل علی ظہور" شما اوج حاجت است
کوفی شده زمانه و هیچ اعتماد نیست
حتی به حرف ما که دعامان شہادت است...
آقا به خاطر دل زینب ظہور کن...
در سوریه حضور حرامی جسارت است
آقا قبول! منتظرانت کجا و من
وقتی تمام زندگی ام غرق حسرت است
اینجا به بغض های حسن خیره مانده ام...
در کوچه ای که مادر تان بی حمایت است...
قصدم گریز نیست به صحرای کربلا...
آنجا که ناله ی همگان وا مصیبت است



وظایف فرهنگی حکومت

است، یک نمونه وزارت آموزش و پرورش است؛ اینها همه دستگاه های خدماتی هدایتی است. ما از اینها چگونه استفاده میکنیم؟

مسئول دین داری مردم هستی

باید در جهتی حرکت کنیم که مردم متدین بار بیایند، متدین عمل بکنند، به مبانی دینی معتقد بشوند، عملاً پایبند بشوند؛ جهتگیری ما در همه ی زمینه ها باید این باشد. حالا در وزارت ارشاد، مسئله ی کتاب هست، مسئله ی هنرهای تجسمی هست، مسئله ی هنرهای گوناگون صوتی، تصویری هست، در همه ی این جهتگیری ها، بایستی ما جهتمان این باشد که مردم به سمت دین، به سمت خدا حرکت بکنند.

و الا اگر قرار باشد که نگاه کنیم، ببینیم بیگانگان ما را بر چی ملامت میکنند - اگر این را بخواهیم رعایت بکنیم - خیلی کارها انجام نخواهد شد. ریشی هم که شما میگذارید، دنیا قبول ندارد. کراواتی هم که شما نمی بندید، دنیا قبول ندارد. خیلی از اطعمه و اشربه ای هم که شما حاضر نیستید استفاده کنید، دنیا اینها را قبول ندارد.

حجابی که خانمهايتان دارند، دنیا قبول ندارد. این حرفها یعنی چه؟ رهبر انقلاب ۱۳۸۸/۶/۱۶

و اهتمام به امور فرهنگی دارد، لیکن هدفگذاری های فرهنگی اش دچار اختلال یا دچار خدشه است. این هدفگذاری ها خیلی مهم است؛ از این نابیستی غفلت کرد. ما چه میخواهیم بکنیم با اخلاق مردم، با فرهنگ مردم؟

رها سازی فرهنگی

آیا ما به عنوان دولت اسلامی میتوانیم هدایت فرهنگی جامعه ی خودمان را رها کنیم؟ قطعاً نه، جزو وظائف ماست. حالا مخالفین، معترضین حرفهایی میزنند، نقد میکنند، گاهی مسخره میکنند، گاهی اهانت میکنند، بکنند؛ ما که نمیتوانیم تکلیف الهی را با این چیزها فراموش کنیم.

حکومت و هدایت

ما وظیفه داریم مردم خودمان را هدایت بکنیم؛ هدایت. ریاست در جامعه ی اسلامی، ریاست مادی محض و صرف نیست؛ اداره ی امور زندگی مردم هست، همراه با هدایت.

تا آنجائی که میتوانیم، باید راه هدایت مردم را باز کنیم و مردم را هدایت کنیم. خیلی از ابزارهای هدایت در اختیار دستگاه های حکومتی است؛ حالا یک نمونه اش صدا و سیماست و نمونه های فراوان دیگر هم دارد؛ یک نمونه وزارت ارشاد است، یک نمونه وزارت علوم

فرهنگ را دست کم نگیرید؛

... فرهنگ را دست کم نگیرید؛ خیلی مهم است. بنابراین صرف وقت کنید و در بودجه هم برایش پول و فصول قابل توجهی بگذارید تا جهت ارزشی به فرهنگ بدهید. از جمله ی کارهایی که مسؤولین فرهنگی دولت خیلی باید به آن بپردازند و واقعاً یک دقیقه را در آن فروگذار نکنند، این است که به فرهنگ عمومی جامعه و ابزارها و وسائل فرهنگی، جهت ارزشی بدهند.

چون تلاش زیادی شده تا جریانهای فرهنگی و عاملهای فرهنگی - هنر و ادبیات و شعر و سینما و بقیه - در جهت غیر ارزشی حرکت کنند و راه بیفتند. شما باید کمک کنید و همه ی تلاشتان را بکنید که به تحركات فرهنگی کشور در جهت ارزشی جهت بدهید.

رهبر معظم انقلاب ۱۳۸۶

هدفگذاری های فرهنگی

«اشاره شد مسئله ی فرهنگ بسیار مسئله ی مهمی است. ما در زمینه ی فرهنگ و پرداختن به فرهنگ چه کار میخواهیم بکنیم؟ اول، تکلیف این را روشن کنیم.

یک وقت هست که یک دستگاهی به امور فرهنگی بی اعتناء است، یک وقت نه، یک دستگاهی اعتناء

مسئولان روزنامه نیستند!

رهبر معظم انقلاب اخیراً با انتقاد از حرف زدنهای مکرر و بی عملی در مقابله با فساد فرمودند: «با «دزد دزد» گفتن، دزد از سرقت دست بر نمی دارد باید جلوی او را گرفت. مسئولان کشور، روزنامه نیستند که مدام راجع به فساد حرف بزنند آنها باید وارد عمل شوند و جلوی فساد را به معنای واقعی کلمه بگیرند».

به عبارت دیگر به عمل کار برآید به سخنرانی نیست. همه می دانیم که در سایه ساختارهای بروکراتیک و ناهماهنگ در کشورما، مفاسد مختلفی شکل گرفته که گاهی قابل پیگیری و برخورد حقوقی هم نبوده و صرفاً سواستفاده از رانت‌های اطلاعاتی است که یک شبه افرادی را به اوج فلک می رساند و بسیاری را به زمین گرم می زند و این معضل جز با اصلاح ساختارهای معیوب امکان درمان اساسی ندارد. اما آنچه مهم است این است که همه حتی روسا و مسئولان هم رو به گفتاردرمانی آورده و دائم شعار می دهند و مصاحبه می کنند و همایش برگزار می کنند؟

معجزه سمینارها

تا جایی که رهبر معظم انقلاب سال گذشته نیز برای همایش ملی «ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد» نوشتند: «این سمینار و امثال آن



بناست چه معجزه‌ای بکند؟ مگر وضعیت برای شما مسئولان سه قوه روشن نیست؟ با توجه به شرایط مناسب و امیدبخشی که از لحاظ همدلی و هماهنگی و همفکری بین مسئولان امر وجود دارد، چرا اقدام قاطع و اساسی انجام نمی‌گیرد که نتیجه را همه بطور ملموس مشاهده کنند؟

توقع من از آقایان محترم این است که چه با سمینار و چه بدون آن، تصمیمات قاطع و عملی بدون هرگونه ملاحظه‌ای بگیرند و اجرا کنند. موفق باشید.

به عبارت دیگر کدام دزد و مفسد اقتصادی از این همایش‌ها و نمایش‌ها می‌ترسد و دست از دزدی برمی‌دارد؟ به نظر می‌رسد، آقایانی که قدرت‌های اجرایی کشور دستشان

است اگر راست می‌گویند باید جلوی رانت خواری و مفاسد را بگیرند و شعار دادن و سروصدا کردن را به مطبوعات‌ها واگذارند! اما ظاهراً برخی عزیزان جایگاه خود را با روزنامه نگارها اشتباه کرده و دائم بر علیه فساد و رانت خواری سخنرانی می‌کنند و شعار می‌دهند؟! البته این کارها برای تخریب رقیب و جمع کردن رای خوب است. اما برای مردم جز بی‌اعتمادی و دلسردی و ناامیدی چیزی به دنبال ندارد و امیدواریم که مسئولان محترم اجرایی به جای گفتار درمانی به کاردرمانی و حل عملی معضلات اجتماعی و اقتصادی مردم بپردازند.

این حرف‌ها که خوشه‌ی گندم نمی‌شود

نانی برای سفره‌ی مردم نمی‌شود

این حرف‌ها که از سر تکرار می‌زنید روی لبان بسته تبسم نمی‌شود

آن دردهای کهنه‌ی مردم هنوز هم با این «زبان تازه» تکلم نمی‌شود

از روستای چشم‌تو رفتم به شهر عشق شهری که این غریبه در آن گم نمی‌شود

یک رنگ و ساده باش و صمیمی که آینه

هرگز دچار سوء تفاهم نمی‌شود
۹۴/۲/۱۳

اندر احوالات فرهنگ مملکت...

سرانه فرهنگی ۵۰ هزار تومانی!



به گزارش فارس، طه هاشمی معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه آزاد گفت: سرانه کار فرهنگی را به ازای هر دانشجو بیش از ۵۰ هزار تومان در سال اعلام کرد.

سراج - با توجه به اینکه هر سال حدود ۵۰ هفته است و نان سنگک هم حدوداً دانه ای هزار تومان است (البته آزادپز نباید بخرید) دوستان و تشکلهای فرهنگی در جلسات فرهنگی شان می توانند به صورت سرانه هفته ای یک نان سنگک بخرند. (البته کنجادی هم نباشد چون کسر بودجه می آورید)

پز فرهنگی

گاهی فکر می کنم ای کاش کارهای فرهنگی را به صورت درست به چند تا مسیحی یا افراد لایبالی و غیرمذهبی می سپردند. شاید تعجب کنید ولی باور کنید هر وقت کارها دست دوستان مذهبی خودمان می افتد مشکلات ما بیشتر می شود! حتماً می پرسید چرا؟ نمی دانم چرا ولی یک میل عجیبی در دوستان مذهبی و حتی سوپر مذهبی ما هست که هر جور شده خودشان را روشنفکر نشان می دهند و برای این کار چه چیز بهتر از قربانی کردن افراد و تشکلهای مذهبی و میدان دادن به افراد و گروههای سکولار و غیر مذهبی؟ آقایان گاهی کار را به جایی می رسانند که برای لبخند افراد بی قید و بند و ضدانقلاب حاضرند اشک بچه های مذهبی را در بیاورند. خوب حالا فهمیدید چرا می گویم کاش کارها و مسئولیت های فرهنگی کشور را به غیر مذهبی ها می سپردند؟ زیرا یا آنها هم مثل خیلی از دوستان برای ژست گرفتن و جلب نظر گروه های مخالف، فضا را برای مذهبی ها باز می کردند یا آن که از در مخالفت با احکام دینی درمی آمدند که در آن صورت حداقل دلمان خوش بود که طرف اگر لیبرالیستی و سکولاریستی عمل می کند حداقل حجت الاسلام و آیت الله و پسر آیت الله و دختر آیت الله نیست.

تیراژ کتاب ۲۰۰ نسخه!

حسین عبدالهاشم پور نوشت: هفته پیش خانم لیلی گلستان آمده بود، «هنرآنلاین» تا درباره کتاب تازه و متفاوتش حرف بزنیم که عصر همین پنجشنبه در گالری گلستان رونمایی خواهد شد.

بعد از خوش و بش معمول پرسیدم: «تازه چه خبر؟» اخم‌هایش توی هم رفت و گفت: «می‌خوای چه خبر باشه وقتی می‌شنوی تیراژ کتاب‌ها ۲۰۰ نسخه است».

این روزها در کش و قوس سرما - گرمای هوا، تکلیف شوفاژهای هنرآنلاین مشخص نیست و راستش هوای اینجا کمی تا قسمتی سرد است اما با این جمله اعتراضی خانم گلستان، گویی پارچ آب یخ روی سرم ریخته باشند. لرزیدم؛ واقعا این چه تراژدی است که ایران امروز به آن دچار شده؟ خواندم که یک ناشر معروف به چندین دلیل و سند معتقد است تیراژ ۱۵۰ نسخه برای یک کتاب در شرایط فعلی کافی است؟

تیراژ کتاب در افغانستان بیشتر از ایران!؟

و کتابفروشی می‌گفت: عمده درآمد ماه گذشته‌ام فروش کاغذ کادو در شب ولنتاین بود! راستش از شما چه پنهان، وقتی ۲۵ آذر در همین ستون نوشتم بزرگ‌ترین تفاوت ما با نسل قدیم «خواندن کتاب» است، اصلا گمان هم نمی‌کردم اوضاع این قدر بغرنج باشد؛ دوستی می‌گفت می‌دانی تیراژ کتاب در افغانستان بیشتر از ایران شده است؟

دم همگیمان گرم!

سراج - بنظرم دوستان هنر آنلاین کمی زودرنج تشریف دارند چون وقتی در دانشگاه‌های بزرگ کشور که همه اهل علم و فرهنگند! تیراژ نشریات پس از گذشتن از هفت خوان رستم و هدایت‌های بی‌دریغ مسئولان فرهنگی که اکثرشان هیچ تجربه‌ای در کارهای فرهنگی ندارند ۲۰۰ نسخه است شما توقع دارید در جامعه عمومی که بسیاری شان غیردانشگاهی و کارگر و کسبه اند، تیراژ کتاب ۲۰۰ هزار باشد؟

بالاخره هنر نزد مسئولان فرهنگی کشور است و بس!



دلایل عقبگرد انقلابیون

به گزارش «انتخاب» مصباح یزدی در دیدار انجمن اسلامی دانشجویان مستقل که در تاریخ ۱۸ بهمن ۹۳ در مشهد برگزار شد خاطرنشان کرد:



باید سعی کنیم، معرفت‌مان را نسبت به اسلام تقویت کنیم، البته تنها همین نیست، زیرا کسانی بودند که بهترین معرفت‌ها را نسبت به اسلام داشتند، ولی بالاترین خیانت‌ها را هم کردند؛ لذا اگر ما

بخواهیم مبتلا نشویم، اول باید معرفت صحیح داشته باشیم، و دوم از جوانی خودسازی کنیم و خودمان را تربیت نماییم. **وی افزود:** انقلاب ما برای چیز دیگری بود؛ ما دنبال اسلام بودیم؛ جان، مال و بچه‌هایمان را فدای دین می‌کردیم؛ اما الان اصلاً از دین صحبتی نیست، و می‌گویند: بی‌خود مردم دغدغه آخرت دارند، نگران آخرت نباشید! آیا ما همان آدم‌ها هستیم، و این‌ها همان انقلابیون هستند؟!

مرتب‌ه در اواخر عمرش عقب‌گرد می‌کند و کاملاً در نقطه مقابل قرار می‌گیرد. ... این یک جنونی است که در بعضی پیدا می‌شود، و در نتیجه آن، حتی حاضر است زهد داشته باشد، اظهار تقوا و وارستگی کند تا در کنارش جلب توجه و تبعیت دیگران را داشته باشد. استاد حوزه علمیه قم اضافه کرد: تبلیغات و پول روی توده‌های مردم زود اثر می‌گذارد، اما خواص به این زودی‌ها تحت تأثیر واقع نمی‌شوند؛ مصباح تأکید کرد: اگر می‌خواهیم گول نخوریم،

بودند که غالباً به برکت انبیا صلوات‌الله‌علیهم اجمعین راه صحیح زندگی را شناختند و قدم‌هایی هم در آن راه برداشتند، ولی در ادامه کوتاه آمدند یا باز ماندند و از مسیر صحیح خارج شدند، و حتی کارشان به جایی رسید که درست در نقطه مقابل انبیا قرار گرفتند.

... چه می‌شود که آدمیزاد روزی مسال‌های را دنبال می‌کند؛ با فکر، استدلال و تحقیق راهی را انتخاب می‌کند، اکثر عمرش را در آن راه صرف می‌کند، و یک

حضور بیش از حد مهندسان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی

مدیریت شهری و به هم ریختگی های فرهنگی در کشور است. البته ضعف خروجی های علمی انسانی دانشگاهها و بی توجهی به رشته های انسانی یکی از عوامل این مسئله است.

راه حل چیست؟

اما فکر می کنیم اگر هم مهندسان عزیز را در مقطعی بنا بر ضرورت، مجاز به اشغال

سراج- این پرسش بسیار سخن سنجیده و به جایی است و به نظر می رسد مسئولان محترم باید در این باره فکری بکنند زیرا هم اکنون در اغلب قسمتهای فرمانداریها و استانداریها و وزارت‌های مختلف، افرادی با لقب مهندس و با تخصص های غیرمرتبط با پست خود قرار گرفته اند که نتیجه ان نابسامانی های

روزنامه اعتماد در بخشی از مطالب خود درباره روز مهندس، این پرسش را مطرح کرده است که «حضور بیش از حد مهندسان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی که تخصص اولیه ایشان نیست را آیا مثبت ارزیابی می‌کنید یا خیر؟»

انواع پست های غیر مرتبط با رشته خود دانسته ایم اما هم اکنون یا باید از تخصص های مرتبط استفاده نمود و یا اینکه این عزیزان مدرک های معتبر متببط با پست های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی را کسب کنند. و اینکه بگوییم: «سیاست عرصه مشارکت است و حضور در آن تابع هیچ نوع سلسله مراتب تخصصی از پیش تعیین شده نیست، ... همچنین در ذات این پرسش اشتباهی وجود دارد که گویی آموزش های دانشگاهی صد در صد شخصیت و رفتار افراد را شکل می دهند، در حالی که لزوما چنین نیست و بسیاری از فارغ التحصیلان علوم اجتماعی هستند که با بینش جامعه شناسختی بیگانه هستند.» این مطالب ارزش تخصص و تحصیلات تخصصی را زیر سوال بردن است و مانند این است که ما نظام پزشکی و نظام مهندسی را از جامعه حذف کرده

و به هر کسی اجازه طبابت و مهندسی بدهیم و بگوییم بسیاری از پزشکان یا مهندسان فاقد بینش درست هستند؟ و اینکه بگوییم: «آشنایی مهندسان با ریاضیات و تقویت ذهن انتزاعی و منطقی و نیز داشتن درک عینی از عدد و رقم، از دیگر ویژگی های مثبت نگاه مهندسی است که در مدیریت سیاسی ایران کمتر دیده می شود...» این نیز صحیح نمی باشد زیرا داشتن ذهن ریاضی و آشنایی با عدد و رقم دلیلی بر فهم صحیح مسائل اجتماعی و فرهنگی نمی باشد گذشته از اینکه اینگونه نیست که سایر رشته ها، ریاضیات خوانده باشند و عدد و رقم سرشان نشود. اما آقایان باید بپذیرند که عدد و رقم و ذهن انتزاعی همه چیز نیست و اتفاقا دقیقا همین ایراد را می توان گرفت که آقایان که فقط مهندسی خوانده اند و در عدد و رقم غرق شده اند ممکن است

فهم درستی از مسائل اجتماعی و فرهنگی جامعه نداشته باشند. سیاست و فرهنگ و مدیریت هر کدام رشته های تخصصی بوده که ریزه کاری های فراوانی دارند و اگر ما سکان مدیریت یک استان را بدست یک مهندس اب و فاضلاب یا دکترای عمران بدهیم نتیجه اش این می شود که اکثر وقت مدیران در ساختار های فیزیکی و ساختمان سازی صرف می شود و حوزه هایی چون سلامت و فرهنگ و ... به شدت مغفول می مانند تا جایی که به قول آن بزرگوار «تمام بودجه سازمان جوانان کشور به اندازه اعتبار ۲۰ کیلومتر راه روستایی هم نیست؟» در حالیکه اگر یک جامعه شناس در تقسیم بودجه شرکت داشت می فهمید که انسان ها مهمتر از ساختمانها هستند و ایجاد رضایتمندی در جامعه فقط به ارائه عدد و رقم تولید آهن و سیمان نیست! ۹۳/۱۲/۵

بوی انتخابات و تشکل های اجاره ای!

دبیر انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس با انتقاد از اقدام برخی مسئولان برای ایجاد تشکل های دانشجویی دولت ساز گفت:

طبق اخباری که به ما رسید متأسفانه از ابتدای سال در بسیاری از دانشگاه های کشور موج تشکلی و تاسیس تشکل های جدیدی به راه افتاد که سوابق هیأت های موسس و حمایت های قابل تامل مسئولین

دانشگاه ها بخصوص روسای منتصب دولت فعلی، همه حاکی از پروژه های برنامه ریزی شده در سطح کشور برای فضای دانشگاه ها است.

وی گفت: امروز در فضای دانشگاه و خوابگاه ها متوجه گروهی شدیم که در حال جمع آوری امضاء برای تشکلی جدید با عنوان «انجمن اسلامی اصلاح طلبان» هستند که از ریاست دانشگاه مجوز بدوی دریافت کرده و با متوسل

شدن به دروغ هایی چون «دانشگاه تربیت مدرس انجمن و تشکل دانشجویی ندارد» در پی فریب دادن دانشجویان هستند. **سراج** - به نظر می رسد موج صدور فله ای مجوز به تشکلهای و نشریات مختلف، کمک چندانی به بهبود فضای فرهنگی نکند اگرچه ممکن است منافع کوتاه مدتی برای برخی جناحها و جریانات سیاسی داشته باشد، به خصوص در ایام پیش از انتخابات مجلس.

اجرای اسلام وظیفه ای همگانی است

چراغ سبز برای مفسدان

این مرجع تقلید یادآور شد: با بیان این سخنان چراغ سبزی برای افراد آلوده به انواع مفسد اخلاقی و مجالس کثیف نشان داده می‌شود که گویا از این به بعد آزاد هستند و پلیس هم کاری به ایشان ندارد.

وی ادامه داد: آنها بدون این سخنان چه کارها که نمی‌کنند و وای به حالی که به این افراد چراغ سبز نیز نشان داده شود. **امنیت و آرامش روحی و اخلاقی جامعه مهم‌تر است** آیت‌الله مکارم شیرازی با اشاره به اینکه امیدواریم نصیحت دوستانه ما پذیرفته شده و از تکرار چنین سخنانی پرهیز شود افزود: امیدواریم که به فرمایشات رهبر انقلاب که اخیراً خطاب به نیروی انتظامی فرمودند گوش فرا دهند و آنگونه که ایشان تاکید کردند حفظ آرامش روحی و اخلاقی جامعه مهم‌تر از آرامش جسمانی است.

مبنایی است و باید از بیان چنین اظهاراتی پرهیز شود.

وی گفت: بیان این سخن صحیح نیست چرا که قوانین ما چیزی جز اسلام نیست و قوانین ما از اسلام برگرفته شده است. این مرجع تقلید تاکید کرد: همه افراد جامعه اعم از پلیس و غیرپلیس موظف هستند که قوانین اسلام را اجرا کنند. آیت‌الله مکارم شیرازی تصریح کرد: در خصوص اجرای امر به معروف و نهی از منکر نیز طبق قرآن کریم همه مسلمین وظیفه دارند.

تضعیف نیروی انتظامی

وی با اشاره به اینکه بیان چنین سخنانی روحیه نیروی انتظامی را تضعیف می‌کند، گفت: نباید زحماتی از سوی نیروی انتظامی در خصوص تهذیب اخلاق و مبارزه با منکرات انجام شده نادیده گرفته شود.

رئیس‌جمهور در بیستمین همایش سراسری فرماندهان ناجا گفت: پلیس موظف به اجرای اسلام نیست و هیچ پلیسی نمی‌تواند بگوید من این کار را کردم، چون خدا گفته پلیس یک وظیفه بیشتر ندارد و آن هم اجرای قانون است؛

«بسیاری از مسایل شرعی به ایمان مردم مرتبط است. پلیس جایی می‌تواند وارد شود که اولاً مصوبه قانونی وجود داشته باشد، ثانیاً قانون روشن و شفاف ابلاغ شده باشد.»

پاسخ آیت‌الله مکارم شیرازی

آیت‌الله مکارم شیرازی در درس خارج فقه خود با اشاره به سخن یکی از مسئولان در خصوص مسئولیت نداشتن پلیس در اجرای احکام اسلامی بیان کرد:

سه اشکال مبنایی

این سخن از سه نظر دارای اشکال



منکر همانی است که مردم می‌گویند؟!



نرسیده و به صورت قانون، مثلاً به نیروی انتظامی ابلاغ نشده است تکلیف این سازمان چیست؟

رابطه اسلام و قانون

و آیا احکام اسلامی پس از قانون شدن و تصویب مجلس، وجاهت اجرایی پیدا می‌کنند؟ به بیان دیگر آیا اسلام به قوانین اعتبار می‌بخشد یا احکام اسلامی بعد از قانون شدن اعتبار پیدا می‌کنند؟

قانون اساسی و امر به معروف

در ثانی مگر اصل امر به معروف و نهی از منکر جزو قانون اساسی کشور نیست و همه مردم و به خصوص نیروهای انتظامی، موظف به اجرای این قانون نیستند؟ پس چگونه می‌شود که ما بگوییم وظیفه نیروی انتظامی اجرای قانون است نه اجرای اسلام؟! و عجب آنکه این سخن را یک روحانی با سابقه و انقلابی که در صدر یک کشور اسلامی است به زبان بیاورد؟! ۹۴/۲/۱۳

هر کسی در قبال کاری انجام می‌دهد مسئول است و این مسئله که من مأمور و معذورم و باید طبق دستور عمل کنم باعث تبرئه شدن کسی نمی‌شد زیرا در فرهنگ اسلام همه مردم نسبت به سرنوشت خود و جامعه خود مسئولند «کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیت». و این مسئولیت همگانی هرگز به صورت کور چشم بسته نبوده و همگان موظفند با چشم باز و بینش درست حوادث اجتماعی را رصد کرده و نسبت به آنها واکنش مناسب نشان دهند.

امر به معروف نیازی به اجازه ندارد

لذا در اسلام امر به معروف و نهی از منکر یک وظیفه عمومی است و نیاز به اجازه از کسی ندارد و هیچکس هم از این وظیفه الهی معاف نیست و هیچکس را هم به خاطر انجام امر به معروف و نهی از منکر نمی‌توان مواخذه کرد. حال جای این سوال هست که اگر برخی احکام و دستورات اسلام هنوز به تصویب مجلس

اخیراً جناب آقای روحانی در بخشی از صحبت‌های خویش درباره امر به معروف و نهی از منکر فرموده اند: «منکر اصلی در جامعه، فقر، بیکاری، فساد و ریا است که باید از بین برود. اما ما به دو تا سه فرع در منکر چسبیده‌ایم و فکر می‌کنیم منکر و معروف آنهاست. در صورتی که منکر همانی است که مردم می‌گویند این کار بدی است. مقابله با یک منکر زمانی است که وقتی پلیس با آن برخورد می‌کند، مردم برای آن کف می‌زنند.»

پلیس موظف به اجرای اسلام نیست!

«... پلیس موظف به اجرای اسلام نیست. هیچ پلیسی نمی‌تواند بگوید این کار را برای آنکه خداوند و یا پیامبر (ص) در فلان روایت گفته است، انجام می‌دهم؛ این موضوع ربطی به پلیس ندارد. پلیس تنها یک وظیفه دارد و آن، اجرای قانون است. رئیس‌جمهور ادامه داد: پلیس تنها در جایی می‌تواند وارد شود که اولاً مصوب قانون باشد و دوماً قانون، روشن و صریح باشد.»

نباید حاشیه‌سازی کرد!

رئیس‌جمهور در این سخنرانی فرمودند: «... نباید حاشیه‌سازی کرد. نباید حرفی زد که موجب سوءاستفاده بیگانگان شود. البته مقوله انتقاد به پلیس یک مسئله حتمی و برای ارتقای آن ضروری است ولی باید بین انتقاد و تخریب و به چالش کشیدن فرق گذاشت.»

آیا مأموران معذورند؟

سالها پیش به ما می‌آموختند که

بیکارترین رشته های دانشگاهی

کارشناسان معتقدند دانشگاه همانقدر که می تواند به افزایش دانایی ها و آگاهی افراد کمک کند به همان میزان نیز می تواند شدیداً ذائقه جوانان را برای کار تغییر دهد به نحوی که اغلب جوانان پس از طی دوران تحصیل خود برای ورود به بازار کار و پذیرش پیشنهادهای شغلی با مشکل مواجه می شوند. دانشگاهها و عدم پذیرش مسئولیت اشتغال جوانان دانشگاه ها سالیان متمادی است که با ایجاد رشته های گوناگون مرتبط و بدون ارتباط با بازار کار کشور در حال تشویق جوانان به ورود به عرصه های تحصیلی هستند بی آنکه لازم بدانند پژوهشی کاربردی انجام دهند تا مشخص شود آیا واقعا امروز تحصیلات آکادمیک توان رفع نیازهای بازار کار کشور را دارد و یا خیر؟

به عقیده کارشناسان، نگاه کسب درآمد دانشگاه ها از پذیرش دانشجو و فرار از پذیرش هرگونه مسئولیت درباره اشتغال و پس از تحصیلات دانشگاهی افراد باعث شده تا امروز دست کم یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از خروجی دانشگاه ها تجربه تلخ بیکاری را بچشند. ۵.۷ میلیون نفر درس خواندند تا مدرک بگیرند از حدود ۱۱.۲ میلیون نفر جمعیت دارای تحصیلات عالی و یا در حال تحصیل در کل کشور، متأسفانه

۵.۷ میلیون نفر (۵۱.۴ درصد) غیرفعال هستند. به عبارت دیگر بیش از نیمی از جمعیت فارغ التحصیل یا در حال تحصیل

۵.۱ میلیون نفر جمعیت دارای تحصیلات عالی و یا در حال تحصیل به زنان اختصاص دارد که از این جمعیت نیز حدود ۳.۴ میلیون نفر جمعیت غیرفعال (۶۵.۶ درصد) بوده اند. نرخ بیکاری جمعیت فارغ التحصیل یا در حال تحصیل در سال ۱۳۹۲ برای گروه مردان و زنان در کل کشور ۱۸.۹ درصد برای گروه مردان ۱۲.۸ درصد و برای گروه زنان ۳۱.۳ درصد بوده است. بیشترین نرخ بیکاری در گروه مردان در بین گروه های عمده رشته تحصیلی، به ترتیب مربوط به رشته های تحصیلی علوم کامپیوتر (۲۲.۳ درصد)، صنعت و فناوری (۲۱.۸ درصد) و معماری و ساختن سازی ۲۰.۸ درصد است. همچنین نرخ بیکاری در گروه زنان در بین گروه های عمده رشته تحصیلی، به ترتیب مربوط به رشته های تحصیلی حفاظت محیط زیست ۵۷.۷ درصد، کشاورزی، جنگلداری و شیلات ۵۶.۲ درصد و معماری و ساختمان سازی ۵۵.۵ درصد بوده است. بر اساس این نتایج، بیشترین نرخ بیکاری جمعیت فارغ التحصیل یا در حال تحصیل دانشگاهی به ترتیب به استان های لرستان ۲۹.۵ درصد، کهگیلویه و بویراحمد ۲۷.۸ درصد و فارس ۲۷.۱ درصد اختصاص دارد. همچنین کمترین نرخ بیکاری مربوط به استان هرمزگان ۶.۲ درصد است.



دانشگاهی هیچ نقشی در تولید ندارند. همچنین ۴.۴ میلیون نفر (۳۹ درصد) شاغل و ۱.۲ میلیون نفر (۹.۲ درصد) بیکار هستند.

۶ گروه از بیکارترین رشته ها

در سال ۱۳۹۲ حدود ۵.۹ میلیون نفر جمعیت دارای تحصیلات عالی و یا در حال تحصیل را مردان تشکیل داده اند که متأسفانه ۲.۳ میلیون نفر (۳۹.۰ درصد) از آنان غیرفعال هستند. همچنین حدود

مراقب مراجع

انگلیسی باشیم!

آیت‌الله محسن اراکی دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی درخصوص تعطیلی دفاتر چند شبکه ماهواره‌ای مذهبی در ایران گفت: مجمع تقریب از مسئولان خواست به صورت عملی برای مقابله با این جریان‌های تکفیری اقدام کند.

آن‌ها مدعی شیعه بودن هستند و در داخل کشور فعالیت می‌کردند. به همین دلیل مسوولان ۱۷ دفتر این شبکه‌ها را بستند.

وی خاطرنشان ساخت: نباید اجازه دهیم در قم مسجد ضرار درست شود، قم مرکز انقلاب و امام است. نخستین خطری که قم را تهدید می‌کند این است که باید مراقب بود برای ما مرجع انگلیسی نساژند.

شکاف طبقاتی در

جهان

«گای رایدن» رییس آژانس بین المللی کار سازمان ملل نیز به همین مناسبت با تشریح شرایط کنونی نیروی کار در جهان درمورد افزایش شکاف میان طبقه مرفه و فقیر در سراسر جهان ابراز نگرانی کرد. وی با اشاره به شکاف فاحش میان طبقات فقیر و ثروتمند در جهان، شماره اغنیا و صاحبان سرمایه را ۱۰ درصد از کل جمعیت جهان بر آورد کرد و گفت که درحال حاضر ۳۰ تا ۴۰ درصد از مجموع درآمد های جهان عاید این قشر می شود درحالی که مجموع درآمد اقشار بی بضاعت جهان فقط ۲ و ۷ دهم درصد از این درآمدها است.

برده داری مدرن

بر اساس آمار سازمان بین المللی کار هم اکنون ۲۱ میلیون نفر در سراسر جهان قربانی کارهای اجباری در مزارع، کارگاه ها و کارخانه ها و یا بردگی جنسی هستند که از این راه بالغ بر ۱۵۰ میلیارد دلار سود عاید شبکه بزهکاران سازمان یافته جهان می شود.

بزرگ ترین دغدغه

مردم، اعتیاد و مواد

مخدر

وزیر کشور با بیان اینکه بزرگ ترین دغدغه مردم طبق نظرسنجی، اعتیاد و مواد مخدر است، گفت: ۴۰ تا ۴۵ درصد زندانیان ما مرتبط با مواد مخدر هستند.

وی گفت: در کنار حوزه اجتماعی، در حوزه اقتصادی نیز مواد مخدر لطمات فراوانی می‌زند، به عنوان مثال همین باند اخیری که پلیس مبارزه با مواد مخدر در بندرعباس دستگیر کرده است، آن سرکرده باند که فقط پنج کلاس سواد دارد، ظرف دو سال ۲ هزار میلیارد تومان گردش مالی داشته است. این ۲ هزار میلیارد تومان می‌تواند در چرخه اقتصاد کشور تأثیر فراوانی داشته باشد.

وی افزود: در حوزه مصرف، ما اگر ۱۰ هزار میلیارد تومان گردش مالی مواد مخدر و به همین مقدار گردش مالی در حوزه ترانزیت مواد مخدر را درنظر بگیریم، می‌شود ۲۰ هزار میلیارد تومان که نزدیک به دوسوم بودجه کل کشور است.

سونامی دروغ‌گویی

حسین شمسیان با تیتراژ «سونامی دروغ‌گویی» و پس از دروغ دانستن ماجراهایی مانند بورسیه‌ها، اعلام برخی پرونده‌های مفاسد و ماجرای اخیر پول‌های کثیف، نوشته: اما ریشه این ماجرا چیست و چرا جمعی به هر قیمت در صدد تخریب گذشته کشور و ترساندن مردم هستند؟! در یک پاسخ ساده و روشن باید دو عامل را منشأ این رفتار دانست: نخست آرزوهای انتخاباتی و دوم بی‌برنامگی در امور کشور.

مردم را بی‌اعتماد

نکنید!

وطن امروز هم با تیتراژ «مردم را بی‌اعتماد نکنید!» به موضوع اظهارات وزیر کشور و پس از مرور پرونده‌هایی مانند بورسیه‌ها، سرطان‌زایی پارازیت‌ها و بنزین پتروشیمی‌ها، حذف یارانه‌ها هشدار داده است که: عدم صداقت، بی‌اعتمادی نسبت به مردم، سیاست‌بازی مفرط و تکیه بر غوغا سالاری، اینها هزینه‌ساز خواهد بود!

اظهارات عجیب

جهانگیری!

نایب رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین (مجیدرضا حریری) در خصوص اظهارات اخیر معاون اول رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه دولت قبل، ۷۰۰ میلیارد دلار را صرف واردات و اشتغالزایی برای چینی‌ها کرده است، می‌گوید:

اعلام رقم ۷۰۰ میلیارد دلاری برای اشتغالزایی ایران برای چینی‌ها رقمی است که با واقعیات تطابق ندارد، این

شخص رئیس جمهور و مدیران رده بالای دولت نه تنها غیر مستقیم بلکه کاملاً مستقیم و واضح به موضوع انتخابات ورود پیدا کرده‌اند.

نماینده مردم مشهد تصریح کرد: «جهانگیری و یونسی از سوی دولتی‌ها در حوزه انتخابات ورود یافته و مسئولیت دارند، با سازماندهی و تشکیل جلسات میان احزاب، اقوام و اقلیت‌ها، شهر به شهر و روستا به روستا مجلسی وابسته به دولت تشکیل دهند.

یک میلیون مدرک جعلی

علی زرافشان معاون آموزش متوسطه وزیر آموزش و پرورش گفته: در سال گذشته دو مورد مدارکی که آماده توزیع بود، کشف شد که از هر کدام ۵۰۰ هزار مدرک تحصیلی جعلی شناسایی و منهدم شد. در هر حال حاضر ممکن است مدارک تحصیلی مثل سایر مدارکی که دارای ارزش و اعتبار هستند، جعل شود و این یک امر واقعی است و مثل سایر دستگاه‌ها، زیر نظر وزارت کشور، آموزش و پرورش ستادی را به نام «ستاد پیشگیری و مبارزه با جعل اسناد» را تشکیل داده است.

فرق اپیلاسیون و پرستاری!

قائم مقام سازمان نظام پرستاری گفته: ما با اختلاف درآمد ۵ برابری متخصصان با پرستاران موافقیم اما متأسفانه امروزه اپیلاسیون در این کشور تعرفه مصوب دارد اما خدمات پرستاری چنین تعرفه‌ای ندارد.

آن هم توصیه می‌شود بگذارند جریان بررسی پرونده به طی مسیر خود مشغول باشد. گفتنی است چند تن از مدیران ارشد وزارت نفت به دلیل انعقاد این قرارداد بازداشت شدند و این پرونده سالهاست که همچنان در جریان است.

یونسی، دفاع از حقوق اقوام یا انتخابات مجلس؟

علی یونسی در چند روز گذشته با پیش کشیدن پیاپی وضعیت اقلیت‌های دینی و قومی خواستار اجرای حقوق آن‌ها شد. مخالفین و منتقدین یونسی را متهم می‌کنند که او با این سخنان وارد میدان مبارزه انتخابات مجلس شده است. علی یونسی، دستیار ویژه رئیس جمهوری ایران در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در دیدار با اعضای انجمن تالش‌های مقیم مرکز گفت «فرهنگ‌ها و زبانهای قومی تقویت کننده زبان ملی هستند». این صحبت‌های یونسی در تارنمای «انسجام ملی» پر رنگ تر شده است.

این وبسایت دولتی اقوام ساکن ایران را رسماً به «کرد، بلوچ، ترکمن، عرب و آذری» تقسیم کرده و درباره وضعیت آن‌ها اطلاع‌رسانی می‌کند. یونسی به تالشی‌ها می‌گوید «هویت خود را بیشتر بشناسید و خودتان را به دیگران معرفی کنید».

سید امیرحسین قاضی‌زاده هاشمی، نماینده مردم مشهد در این باره در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس گفته: که

درحالی است که کل درآمد نفت ایران طی ۸ سال فعالیت دولت نهم و دهم، ۷۰۰ میلیارد دلار بوده که بخش عمده‌ای از آن، صرف پروژه‌های عمرانی و بودجه و بخشی دیگر نیز صرف واردات و اعطای تسهیلات شده است، بنابراین اختصاص کل این رقم به واردات از چین و اشتغالزایی برای چینی‌ها، خلاف واقع است.

نایب‌رئیس اتاق بازرگانی مشترک ایران و چین افزود: این رقم با واقعیت سازگار نیست، چراکه مجموع واردات ایران از چین طی ده سال قبل، هیچگاه از ده میلیارد دلار بیشتر نبوده است و اگر فرص کنیم ده سال متوالی، ایران سالانه ده میلیارد دلار از چین واردات داشته است، واردات در این مدت باز هم حدود ۱۰۰ میلیارد دلار می‌شود.

مثلت بابک، کرسنت و جهانگیری

جوان در مطلبی با عنوان «۳ ضلعی بابک، کرسنت و جهانگیری» نیز نوشته: آقای جهانگیری! ما هم نمی‌دانیم ماجرای بابک زنجانی در آخر چه شد اما تأکید داریم که زودتر به این پرونده رسیدگی شود همانطور که نمی‌دانیم پرونده استات اوپل و کرسنت به کجا انجامید؛ خواستار رسیدگی و تعیین تکلیف سریع‌تر پرونده‌ها هستیم. محمد رضا نعمت‌زاده عضو ارشد دولت رسماً اعلام می‌کند که ایران در پرونده کرسنت ۱۸ میلیارد دلار محکوم شده است و در عرض چند ساعت سخنان خود را تکذیب می‌کند. پس از

درآمد ۷ (هفت!) برابری پزشکان ایرانی در مقایسه با پزشکان امریکایی؟!

اقتشار کادر درمانی ذکر شده است: «دریافتی معاون درمان وزیر محترم بهداشت که متخصص قلب است از بیمارستان امام حسین (ع) در تابستان ۱۳۹۱ ماهانه بین ۶۱ تا ۸۳ میلیون تومان بوده است. همچنین در خبری که یکی از خبرگزاری‌ها در فروردین ۱۳۹۴ گزارش کرد، حسن غفوری فرد وزیر و نماینده سابق مجلس اذعان داشته که «مدیر یکی از بیمارستان‌ها خودش به من گفت که من فقط ۴۵ میلیون تومان کارانه می‌گیرم». دکتر ایرج خسرونیا رئیس جامعه پزشکان متخصص داخلی ایران نیز بیشترین کارانه‌ها را مربوط

درآمد ۲۰۰ برابری!

حتی دکتر طریقت منفرد مدعی شد که درآمد یک ساعت کار در بخش خصوصی ایران برابر با ۲۰۰ ساعت کار پزشکان فوق تخصصی آلمان است.

کارانه ۷۰ میلیونی پزشکان؟!

در خصوص کارانه هم در نامه‌ای که ۶ تن از نمایندگان اقتصاددانان مجلس به رئیس جمهوری در خصوص تعرفه پزشکان منتشر شد، این نمایندگان ضمن اعتراض به تبعیض درآمد پزشکان با سایر

در چند ماه گذشته گزارش‌ها و مصاحبه‌هایی منتشر شد که درآمد پزشکان متخصص ایرانی را با همکارانشان در ایالات متحده و اروپا مقایسه کرده بود و از درآمد ۷ برابری متخصصین ایرانی در مقایسه با پزشکان امریکایی (نسبت به درآمد سرانه) سخن گفت. و خبرگزاری‌ها نوشتند: اکنون این سؤال مطرح است در شرایطی که درآمد یک کارمند یا کارگر ایرانی به طور متوسط یک پنجم درآمد همتای امریکایی و اروپایی خودش نیست، چه طور درآمد یک پزشک متخصص ایرانی بین ۵ تا ۱۰ برابر همتای اروپایی و امریکایی اوست؟





۲ هزار پزشک ۵۰۰ میلیونی

در تحقیقی که توسط یک گروه در صدا و سیما انجام شده بود، گزارشی از ۲ هزار پزشک با درآمد بالای ۵۰۰ میلیون تومان در ماه ارائه شد.

نتیجه اخلاقی سیاسی اجتماعی:

۱. هر چه سریعتر باید کمیته هایی برای برخورد با گروه پزشکان تاسیس کرد پیشنهاد می شود در این کمیته نمایندگان از بنگاه های املاک، برج سازان بیسواد، بازاری های مستضعف و مردم دوست، فوتبالیست های پورشه سوار حتما حضور داشته

۱۹۴ تا ۲۷۸ میلیون تومان فقط از طریق دریافت زیرمیزی می رسیم.

۳۰۰ پزشک میلیاردی

دکتر ایرج خسرونی در مصاحبه ای، بیشترین درآمد را متعلق به جراحان مغز و اعصاب دانست که بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیون تومان در ماه است. ایرج ندیمی نماینده مجلس هم به وجود دست کم ۳۰۰ پزشک با درآمد ماهانه یک میلیارد تومان اشاره کرد. دکتر علی اصغر پیوندی رئیس هیئت مدیره نظام پزشکی تهران نیز با تایید وجود پزشکان متخصص با درآمدهای چند صد میلیونی اظهار داشت که نمی توان درصدی را برای این تعداد پزشکان تعیین کرد.

به جراحان قلب و مغز و اعصاب دانست که می تواند ماهانه تا ۷۰ میلیون تومان هم برسد.

زیرمیزی

دکتر سید حسن هاشمی وزیر بهداشت، زیرمیزی را در فروردین ۱۳۹۳ حدود ۷ تا ۱۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد.

مالیات گریزی

ایرج ندیمی نماینده مردم لاهیجان و سیاهکل در مجلس هم تخمینی مبنی بر وجود یک گروه ۳ هزار نفری مالیات گریز در بین پزشکان زده و گفته، اگر این رقم را که چیزی حدود ۳ میلیارد دلار است بین این تعداد پزشک تقسیم کنیم به درآمد ماهانه بین

باشند. البته مهران مدیری، مهران غفوریان، مهران رجبی و باقی مهران های طنزپرداز را هم از قلم نیندازید برای جو دادن لازمند.

۲. به سازمان نظام پزشکی خراسان رضوی که اخیرا دست به کار پخش شله در مناسبت های مذهبی شده توصیه می شود صندوقی برای کمک به پزشکان فقیر و بیچاره امریکا و اروپا راه بیندازد و برای همدردی با این قشر آسیب دیده سبد غذایی و شله مشهدی برایشان بفرستد. (ثواب داره!)

۳. وزارت امور خارجه هم باید فوراً دست به کار شود تا جلوی هجوم پزشکان اروپا و امریکا را به ایران بگیرد چون به هر شکل عده های عنوان شده آنقدر وسوسه انگیز است که حتماً با مهاجرت مغزها به سمت کشورمان روبرو خواهیم شد.

۴. به نمایندگان محترم مجلس و سازمان بازرسی و ... بفرمایید اگر چند صد نفر یا حتی چند هزار نفر در یک گروه ۱۵۰ هزار نفری خلاف کردند با آبروی همه گروه بازی نکنید و بروید یقه اداره مالیات و سازمانهای نظارتی را بگیرید که عرضه کنترل این متخلفین را نداشته اند.

۵. با توجه به اینکه در کشور ۷۰ میلیونی ما ۸۰ میلیون دفترچه بیمه برای مردم صادر شده براحتی می توان فهمید که پزشکان جزو معدود گروههایی هستند که نه تنها تعداد مراجعین شان مشخص است بلکه بخشی از مالیاتشان را قبل از دریافت سهم بیمه شان از حقوقشان برداشت می کنند!؟

۶. کارانه های ۷۰ - ۸۰ میلیونی هم که آقایان دیده اند برای درصد کوچکی از پزشکان است نه همه آنان .

اصولاً اکثریت پزشکان بیمارستان و تخت بیمارستانی ندارند که بخواهند کارانه بگیرند. و آنها هم که در بیمارستان هستند فقط در صورت انجام جراحی های خاص آن هم با تعداد زیاد امکان یک چنین کارانه هایی را دارند.

۷. راستی کلاه خود را قاضی کنیم در شرایطی که «درآمد یک پزشک متخصص ایرانی بین ۵ تا ۱۰ برابر همتای اروپایی و آمریکایی اوست»؟ چرا شیب مهاجرت پزشکان از ایران به سمت خارج است و چرا اگر پزشکی برای ادامه تحصیل بخواهد از کشور خارج شود باید صدها وثیقه و تعهد بسپارد تا اجازه خروج پیدا کند؟! چندی پیش رضا فرجی دانا، وزیر علوم سابق اعلام کرد: « هر سال ۱۵۰ هزار نفر از نخبگان ایران، کشور را ترک می کنند.» ۱۳۹۴/۲/۶



چگونه می‌توان یک ستاره فوتبال را با یک دانشمند و یک دکتر مقایسه کرد؟



یک ستاره فوتبال کجا و یک دانشمند یا دکتر کجا؟

مورینیو در ادامه سخنان خود افزود: من به قدرت فوتبال در همه عرصه‌ها واقف هستم اما واقعا نمی‌دانم مگر می‌شود یک فوتبالیست حتی جزو ۱۰۰ فرد تاثیرگذار دنیا در مجله فوربس قرار بگیرد؟ وقتی در مجله فوربس ۱۰۰ فرد تاثیرگذار جهان را دیدم که نام کریستیانو رونالدو و لیونل مسی در آن دیده شد خیلی تعجب کردم و افسوس خوردم.

ما در فوتبال زندگی کسی را نجات نمی‌دهیم و به بهبود زندگی کسی کمک نمی‌کنیم. نباید نام فوتبالیستی در فهرست تاثیرگذارترین‌ها باشد. این بیهوده است؛ چرا که ما فوتبالی‌ها جان هیچکس را نجات نمی‌دهیم ولی می‌دانم که یک هوادار ممکن است به خاطر شکست تیمش خود را از طبقه پنجم به پایین پرت کند که البته این

مورینیو که در ۴ لیگ برتر اروپایی تیم‌های تحت هدایتش را به قهرمانی رسانده است در گفت‌وگو با روزنامه تلگراف درباره موضوعات مختلفی به صحبت پرداخت که خواندن برخی قسمت‌های آن خالی از فایده نیست:

کار تیمی مهم‌تر است

سرمربی چلسی با انتقاد از جایزه توپ طلای فوتبال جهان آن را بر خلاف روح حرفه‌ای‌گری در فوتبال دانست و عنوان کرد: فکر می‌کنم ونگر چیزی گفت که جالب است. او مخالف توپ طلاست و فکر می‌کنم حق دارد؛ چرا که در این لحظه فوتبال کمی مفهوم تیمی خود را از دست داده است و بیشتر روی فرد تمرکز می‌کند. ما همیشه به عملکردهای فردی، آمار فردی و بازیکنی که دوندگی بیشتری دارد نگاه می‌کنیم. چون شما در یک مسابقه یازده کیلومتر دویده‌اید و من ۹ کیلومتر دویده‌ام، پس بهتر از من کار کرده‌اید؟ شاید نه! شاید ۹ کیلومتر من مهم‌تر از یازده کیلومتر شما باشد.

نشان می‌دهد که آن فرد مشکل روانی داشته است. چگونه می‌توان یک ستاره فوتبال را با یک دانشمند و یک دکتر مقایسه کرد؟

مورینیو در بخش دیگری از این گفت‌وگو عنوان کرد: تحصیلات فاکتور دیگری است که خیلی برای یک بازیکن مهم است. یک بار یک بازیکنی داشتم که در یک هفته با سه ماشین جدید سر تمرین می‌آمد.

من به او گفتم ماشین جدید گرفتی؟ آیا خانه داری؟ گفت خیر. پرسیدم: آیا پول کافی در بانک داری؟ گفت خیر. این ماشین را از لیزینگ خریداری کرده‌ام و من فقط قراردادش را امضا کردم. لیزینگ یعنی مجانی!

من به او گفتم لیزینگ مجانی نیست. بنشین اینجا تا برایت توضیح دهم لیزینگ یعنی چی؟ او نمی‌دانست لیزینگ یعنی چی و هیچکس برایش توضیح نداده بود.

مسابقه خاطره گویی مسئولان!

همایش بانوی انقلاب،
عنوان جلسه‌ای بود برای
بزرگداشت مرحوم خانم
خدیجه ثقفی همسر امام
خمینی و فرصتی برای
بیان خاطرات شفاهی برخی
سخنرانان

خاطره های ماندگار آیت الله

در این همایش آیت الله هاشمی
که هنوز دل پری از احمدی نژاد
دارد و به مناسبت های مختلف او
را بمب باران می کند خاطره‌ای
مربوط به انتخابات سال ۸۴
و چرایی نامزدی‌اش در این
انتخابات را نقل کرد و گفت:
«سال ۸۴ بعد از دوره ریاست
جمهوری اصلاحات، من راضی
نبودم که وارد عرصه انتخابات
شوم ولی همسر امام راحل بنده
را خواست و گفت که امام (ره) این
انقلاب را به دست شما سپرده،
آیا می‌دانید اینها چه کسانی
هستند که می‌خواهید انقلاب را
به آنها بسپاریم. با این سخنان
اشک در چشمانم جمع شد.»
همین خاطره کافی است تا
بدانیم که مردان بزرگ چگونه
و چقدر ساده تصمیمات بزرگ
خود را می‌گیرند. و چقدر راحت
آنها را بیان می‌کنند.

جوابیه خاطره

البته ماجرا به همین جا ختم
نشد و سید حمید روحانی که
از زمان امام مسئول مستندسازی
تاریخ انقلاب بود اینگونه موضع
گرفت:
«آقای هاشمی به قدری خاطرات

کارگاه آموزش خاطره سازی؟!

۱. ابتدا انگیزه تان را از خاطره سازی مشخص کنید چون بدون
انگیزه سیاسی قوی به جایی نمی‌رسید.

۲. در مرحله دوم مراقب منافع جناحی باشید و خاطره های
خیلی تند و تیز نسازید زیرا پا گذاشتن روی دم جناح های
سیاسی گاهی کار دست آدم می‌دهد و آنها را وادار به مقابله به
مثل و نقل خاطره می‌کند.

۳. عنصر زمان را فراموش نکنید یک خاطره ساز حرفه ای به
موقع و دم انتخابات ها شروع به خاطره سازی می‌کند. بالاخره
چند رای هم چند رای است.

۴. تا می‌توانید از افراد فوت شده که دستشان از دنیا کوتاه
است خاطره بسازید تا خیال تان راحت باشد که طرف نمی‌تواند
اعتراضی بکند یا تکذیبیه ای صادر نماید.

۵. برای خاطره سازی اصلا خجالت نکشید و با دست و دلبازی
هر چه خواستید به شادروان خلد آشیان نسبت دهید.

۶. به مرحوم یا مرحومه بودن طرف هم کاری نداشته باشید
چون در آن دنیا که بحث محرم و نامحرم نیست پس هر چه
می‌خواهید بگوید. مگر اینکه فیلم طبقه حساس کمال تبریزی
را دیده باشید.

۷. مراقب باشید حتما خاطره هایی که نقل می‌کنید دو نفره
باشد و نفر سومی یا وجود نداشته باشد و یا اگر هم از کسی دیگر
اسم می‌برید حتما یا مرحوم شده باشد یا مرگ مغزی و در
کوما باشد. برای چسبیدن بهتر خاطره این مسئله ضروری است.

۸. به وصیت نامه آن مرحوم هم کاری نداشته باشید زیرا مردم زود
وصیت نامه ها را فراموش می‌کنند مگر وصیت پیامبر چند دقیقه
بعد از ارتحالش فراموش نشد؟ (انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله
و عترتی ...) هنوز پیامبر دفن نشده با عترت چه کردند؟ پس با
خیال راحت خلاف وصیت نامه هم خواستید سخن بگویید. زیرا
این سنت تاریخ است و این قصه سر دراز دارد.

۹۴/۲/۳

ضد و نقیض، خلاف واقع و خلاف حقیقت بیان کرده است که دیگر نمی‌توان حرف وی را معتبر دانست» و «نمی‌شود به آقای هاشمی در خصوص خاطرات نقل شده اعتماد کرد».

«چرا آقای هاشمی خاطرات را از زبان کسانی نقل می‌کند که در قید حیات نبوده و رحلت کرده‌اند؟ در اظهاراتی که وی اخیراً گفته است این نکته وجود دارد که اگر همسر حضرت امام چنین سخنی را از امام خمینی نقل کرده‌اند چرا در زمان حیات خود بانو ثقفی بازگو نشد، چرا گذاشتند بعد از فوت همسر امام این خاطره را نقل کنند؟»
احمد توکلی هم می

گویند: «از مشکلات آقای هاشمی این است که مطالب خود را به کسانی مستند می‌کند که اکنون دیگر در قید حیات نیستند. البته نمی‌خواهم آقای هاشمی رفسنجانی را متهم کنم، اما بهتر است مطالبی مطرح نکند که منابعی برای تایید آن اکنون وجود ندارد، زیرا این نحوه رفتار، ارزش تاریخی کتاب‌های خاطرات ایشان را هم زیر سوال می‌برد».

روح‌الله حسینیان، رییس مرکز اسناد انقلاب هم معتقد است:

«آقای هاشمی برای نقل قول‌های خلاف واقع خود از حضرت امام به کسانی استناد می‌کنند که به هیچ

عنوان در دسترس نبوده و دار فانی را وداع گفته‌اند؛ خیلی عجیب است شخصی که خودش هشت سال رییس‌جمهور بوده این‌گونه از امام نقل قول کند؛ اظهارات آقای هاشمی به هیچ عنوان حجت نبوده و نیست چرا که نقل قول‌های ایشان با بیانات صریح و ثبت‌شده امام در تناقض آشکار است».

خاطره پروین احمدی نژاد

پروین احمدی‌نژاد هم به بیان خاطره‌ای از دیدار با همسر امام خمینی پرداخت و گفت:
«خرداد سال ۸۵ در



سالروز وفات حضرت امام خمینی (ره) دکتر احمدی‌نژاد به اتفاق چند نفر دیگر از جمله اینجانب، برای دیدار با همسر مکرمه حضرت امام در جماران حضور یافتند. خانم در مقابل خدمه و برخی از اعضای خانواده، خوشحالی خود را از انتخاب دکتر این‌گونه ابراز کردند که در زمان انتخابات گفته بودند اگر دکتر رای بیاورد، شیرینی انتخاب، مهمان من باشید و هرچه می‌خواهید غذا از بیرون تهیه کنید. ایشان می‌گفتند به خادمه منزل گفته‌ام تلویزیون را برای من فقط در صورت سخنرانی دکتر و یا مقام معظم رهبری روشن کنید. ایشان (همسر امام راحل) بعد از آن دیدار به منزل دکتر رفتند، حال آنکه به اذعان خانواده‌شان بعد از رحلت مرحوم حاج احمد کمتر از منزل بیرون می‌رفتند!

خاطره محمد حسن قدیری

محمدحسن قدیری ابیانه معاون دفتر هاشمی رفسنجانی در دولت دوم کارگزاران و سفیر سابق ایران

در مکزیک و استرالیا در سایت شخصی خود خاطره‌ای از مرحوم سیداحمد خمینی منتشر کرد که: در سال‌های ۱۳۷۳ تا ۱۳۷۶ معاون دفتر رئیس‌جمهور در امور ارتباطات و تبلیغات دولت بودم و در همه برنامه‌ها، سفرها و دیدارها، آیت الله هاشمی رفسنجانی را همراهی می‌کردم، در مراسم افتتاح سد ۱۵ خرداد قم مرحوم حاج احمد آقا خمینی فرزند رشید امام خمینی (ره) هم شرکت کردند.

با دیدن او در مراسم افتتاحیه به وی پیوستم؛ دو سه نفری کنار او بودند و او داشت از بیماری خود می‌گفت؛ ایشان گفت:

حالم مساعد نیست می‌دانم مشکلی دارم ولی آزمایشات چیزی نشان نداده است، بحث رفت روی مسائل سیاسی که حاج احمدآقا با اشاره به سیاست‌ها و عملکرد آیت‌الله هاشمی رفسنجانی گفت:

«من تعجب می‌کنم چرا کسی جلو او نمی‌ایستد، اعتراض نمی‌کند و این سیاست‌ها را متوقف نمی‌کند».

معلوم بود که حسابی از عملکرد و سیاست‌های وی

ناراضی بود. البته فرصت نشد از او در این رابطه بپرسم. آخرین باری که او را دیدم روی تخت بیمارستان بود در حالی که دچار مرگ مغزی شده بود ولی قلبش هنوز می‌تپید، خدا رحمتش کند. حاج احمد آقا مکرراً بر حمایت از ولی فقیه و شخص آیت‌الله خامنه‌ای تأکید داشت و اطاعت از ایشان را شاخصه پیروی از امام خمینی (ره) عنوان می‌کرد.

خاطره منوچهر محمدی

همچنین منوچهر محمدی در خاطره‌ای دیگر با بیان اینکه مجلس خبرگان آقای منتظری را به عنوان قائم مقام رهبری معرفی کرد، گفت:

امام (ره) از طریق محمد گیلانی به مجلس خبرگان پیغام می‌دهند که این کار را نکنید ولی آقای هاشمی تمکین نمی‌کند و موضوع را مطرح می‌کند و مجلس خبرگان هم به جانشینی منتظری به عنوان جانشین رهبری رأی موافق می‌دهد و سرانجام منتظری قائم مقام رهبری می‌شود.

نظر امام نسبت به خاطره گویی های شفاهی

بسمه تعالی

در زیر این وصیتنامه ۲۹ صفحه‌ای و مقدمه، چند مطلب را تذکر می‌دهم:

یک. اکنون که من حاضرم، بعضی نسبت‌های بی‌واقعیت به من داده می‌شود و ممکن است پس از من در حجم آن افزوده شود؛ لهذا عرض می‌کنم آنچه به من نسبت داده شده یا می‌شود مورد تصدیق نیست، مگر آنکه صدای من یا خط و امضای من باشد، با تصدیق کارشناسان؛ یا در سیمای جمهوری اسلامی چیزی گفته باشم.

دو. اشخاصی در حال حیات من ادعا نموده‌اند که اعلامیه‌های اینجانب را می‌نوشته‌اند. این مطلب را شدیداً تکذیب می‌کنم. تاکنون هیچ اعلامیه‌ای را غیر شخص خودم تهیه کسی نکرده است.

سه. از قرار مذکور، بعضیها ادعا کرده‌اند که رفتن من به پاریس به وسیله آنان بوده، این دروغ است. من پس از برگرداندنم از کویت، با مشورت احمد پاریس را انتخاب نمودم، زیرا در کشورهای اسلامی احتمال راه ندادن بود؛ آنان تحت نفوذ شاه بودند ولی پاریس این احتمال نبود.

چهار. من در طول مدت نهضت و انقلاب به واسطه سالوسی و اسلام‌نمایی بعضی افراد ذکری از آنان کرده و تمجیدی نموده‌ام، که بعد فهمیدم از دغلبازی آنان اغفال شده‌ام. آن تمجیدها در حالی بود که خود را به جمهوری اسلامی متعهد و وفادار می‌نمایاندند، و نباید از آن مسائل سوء استفاده شود. و میزان در هر کس حال فعلی او است.

روح الله الموسوی الخمينی

پایان محافظه کاری

آغاز شده که دو سو بیشتر ندارد: آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی. آیا محافظه‌کاران این بازی را تا انتها ادامه خواهند داد؟ باید نشست و تماشا کرد!

آرمان‌گرایی واقع‌گرایانه

سراج - البته جدای از بحث اشخاص به نظر ما آرمان‌گرایی عین واقع‌گرایی است و هر انسان عاقلی به دنبال آرمانهای شخصی و اجتماعی و دینی و دنیوی خود است. به عبارت دیگر آرمان‌گرایی به معنای داشتن هدفهای بالا و متعالی است و نشانه‌ای از همت بلند و شخصیت رشد یافته افراد و جوامع است و بحث واقع‌گرایی عمدتاً به روش رسیدن به اهداف برمی‌گردد. یعنی ما در هدف-گذاری باید آرمان‌گرا باشیم و درست‌ترین و بهترین اهداف را انتخاب کنیم ولی در عمل باید واقع‌گرا باشیم و با برنامه‌گام به گام به دنبال دست یافتن به اهدافمان باشیم.

احسان کیانی در سرمقاله روزنامه مردم سالاری به موقعیت سیاسی هاشمی‌رفسنجانی در سپهر سیاسی کشور پرداخته است؛ وی معتقد است که هاشمی دیگر از سیاست‌های محافظه‌کارانه با شکست در انتخابات ریاست خبرگان دست برداشته است و مرزبندی خود را با جناح اصولگرا نمایان ساخته است؛

آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی

وی در همین راستا نوشت «وی با سخنان انتقادآمیزش در مراسم بزرگداشت همسر امام (ره)، مرز خود با اصولگرایان را روشن‌تر از همیشه نشان داد. او دیگر در میانه‌ای مبهم نیست بلکه به وضوح در کنار برخی منتقدان پیشین خویش ایستاده است. این نه فقط موقعیت هاشمی است که سرنوشت دیگر محافظه‌کاران نیز جز این نیست. بازی پیشین به پایان رسید و بازی جدیدی



آقا صادق، چقدر صادق است؟



باشند، ولی مجوز گردهمایی صادر شده و می‌شود گفت هر ساله مجوز داشته‌ایم.

روبرت بگریان، نماینده ارمنه جنوب کشور هم درباره گفته‌های زیباکلام اظهار داشت: هیچ گاه این گونه نبوده؛ در این پانزده سال که من شاهد بودم، ولو اینکه در جوار کلیساهایمان باشد، مجوز تجمع را به ما داده‌اند. این نماینده مجلس درباره مجوزهای راهپیمایی هم گفت: این کار متناوب بوده و شاید در جایی به اصفهان داده‌اند، به تهران ندادند یا بر عکس؛ برای نمونه، سال گذشته در تهران مجوز راهپیمایی دادند، ولی در اصفهان مجوز تجمع داده شد. سال‌هایی هم بوده که به هر دو شهر مجوز راهپیمایی داده شده است.

ایران به ارمنه کشور اجازه راهپیمایی و تجمع داده است؟!

اطلاعات تاریخی زیبا کلام قوی نیست!

کارن خانلری، دیگر نماینده ارمنه در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با تابناک خاطرنشان کرد: ما هر سال مجوز داشتیم و من احساس می‌کنم آقای زیباکلام در این باره اطلاعات تاریخی‌شان قوی نیست. این نماینده مجلس گفت: متأسفم فردی که ادعای روشن‌فکری دارد، می‌خواهد تا مسائل سیاسی را مهم‌تر جلو دهد. ما از اول انقلاب تا کنون هر سال مجوز داشته‌ایم و شاید سالی بوده که مجوز راهپیمایی نداده

جمعه گذشته، مسیحیان ارمنه کشورمان همچون سال‌های قبل در اعتراض به کشتار ارمنه به دست دولت عثمانی تجمع کردند؛ اما صادق زیباکلام در این باره گفت: آنچه درباره کشتار ارمنه یا ژنوساید ارمنه مسلم است، اینکه این کشتار در سال‌های پایانی امپراتوری عثمانی صورت گرفته؛ اما اینکه چه اتفاقی افتاده که جمهوری اسلامی ایران بر خلاف سال‌های گذشته در سالروز این جنایت به ارمنه ایرانی اجازه راهپیمایی اعتراض آمیز داده‌اند، جای سؤال و تعجب دارد! باید گفت، این اجازه از سر حمایت از ارمنه یا ملاحظات بشردوستانه نیست، بلکه برای بغض و کینه‌ای است که بین تهران و آنکارا وجود دارد. بنا بر گفته این استاد دانشگاه، این برای اولین بار است که

زیباکلام و تفکر ما نمی توانیم!

خبرنامه دانشجویان ایران: تالار شهید رجب بیگی دانشکده فنی دانشگاه تهران، میزبان برنامه ای به همت انجمن اسلامی دانشجویان مستقل این دانشکده بود که در انتهای آن صادق زیباکلام با علی خضریان مناظره می کرد. خبرنگار دانشجویان ایران، روایتی شنیدنی از این مناظره تهیه کرده است که در ذیل می آید:

تقریباً دیگر برایم مناظره های صادق زیباکلام تکراری شده است؛ کافی است یکبار در سخنرانی های وی شرکت کنی، آن وقت می توانی تک تک جملات وی را پیش بینی کنی اما از آجایی که موضوع این برنامه به مذاکرات لوزان مربوط می شد، برایم جالب بود که بینم وی چگونه لااقل درباره بیانیه لوزان سخن می گوید هرچند که چندی پیش وی در دانشگاه تربیت مدرس سخن گفته بود.

سالن رجب بیگی از دانشجویانی پر شده بود که آماده شنیدن بودند اما اینبار فضای سالن برایم جالب است. فضایی که آرام است و لااقل می شود به جملات گویندگان فکر کرد؛ خبری از هو و هیاهو نیست.

طرفداران مناظره کنندگان حضور دارند اما از جنجال و سوت و کف بیهوده اکراه دارند.

صادق زیباکلام مناظره را شروع می کند. او پوستر این برنامه را از دیوار دانشکده کنده و جهت یادگاری برای خود نگه می دارد. ابتدای برنامه کنایه ای بار نوع طراحی پوستر می کند و سخنان خود را درباره لوزان مطرح می کند.

مناظره ای متفاوت

شاید شما هم فکر کنید کسی که در فیلم تبلیغاتی حسن روحانی حضور موثر دارد و در تمام دو سال گذشته تمام قد سیاست خارجی دولت را تمجید کرده است مانند سایر چهره های دولتی این روزها در محافظه کار ترین حالت بگوید همه چیز در تیر ماه حل و فصل می شود اما وی با طنز تلخی و با استناد به فکت شیت آمریکایی می گوید که «از چه چیز لوزان می خواهید دفاع کنید؟»

وی گفت: در تقویم ما به همان دلیل که روز بیانیه الجزایر وجود ندارد قطعاً روز بیانیه لوزان که ۱۳ فروردین ۹۴ است نیز وجود نخواهد داشت زیرا بیانیه الجزایر چیزی ندارد که مایه افتخار باشد.

وی در تشبیهی سایت فردو را به اتومبیلی شبیه دانست که موتورش درجا کار کند ولی اجازه حرکت نداشته باشد و گفت که با بیانیه لوزان فردو به آزمایشگاهی در سطح آزمایشگاه های همین دانشکده فنی تبدیل می شود!

خضریان اما به جریان های سیاسی کشور پرداخته و معتقد است امروز دو رویکرد در رابطه با اتمام این مناقشات وجود دارد؛ رویکردی که پایان تمام این منازعات را در حل پرونده هسته ای در چهارچوب منافع ملی می داند و نگاه دومی که برای پایان دادن به این مناقشات، پیشنهاد می کند که پرونده هسته ای ایران منحل و بساط صنعت هسته ای برچیده شود.

خضریان به برنامه ای که چندی پیش توسط انجمن تهران با حضور صادق زیباکلام، هرمیداس باوند و شیرزاد برگزار شد اشاره و می گوید تکلیف آن آقایان که مشخص است اما معلوم نیست چرا آقای زیباکلام با آنها همراه شده است. وی ادامه داد در تاریخ جمهوری اسلامی دوبار طرح سه فوریتی انجام شد یکبار در عزل بنی صدر یکبار در مجلس



صادر کنیم و شما در دانشگاه های آنها «ما نمی توانیم» را به جوانان آنها درس دهید و در آن صورت تجارت آنها هم ورشکسته خواهد شد!

خضریان در ادامه به این اظهارات زیباکلام که گفت دست و پای دلواپسان را می بوسم که فضا را برای سخن گفتن باز کردند، واکنش داد.

وی گفت من از کودکی در خاظم هست که آقای زیباکلام در صدای و سیمای جمهوری اسلامی برنامه داشت و اتفاقاً از رضاخان هم دفاع می کرد و چطور ایشان می گوید فضا تازه باز شده است.

خضریان به نامه اخیر زیباکلام به ستاد حقوق بشر در ماجرای تجاوز ماموران عربستانی اشاره کرد و گفت: در نگاه آقای زیباکلام و نگاه ما نمی توانیم حتی در مورد تجاوز هم این ما هستیم که مقصریم نه آنها!

وی اشاره کرد پشت صحنه تفکر «ما نمی توانیم» لیبرالیسم است که قطعاً نسل های آینده به این تفکر لعن خواهند گفت چرا که در این نگاه حتی تولید نسل هم محکوم است چرا که معتقد است زن آمریکایی بهتر از زن ایرانی است.

استدلال زیباکلام که می گوید یک فایده از هسته ای را به من نشان دهید گفت که این گونه قطعی سخن گفتن درباره علم صحیح نیست و سپس به مصداق های دیگری از قطعیات زیباکلام که صددرصد رد شده است اشاره می کند و می گوید زیباکلام به صورت قطعی می گفت دانشجویان تسخیر کننده سفارت آمریکا مارکسیست بودند اگر نبود من اسمم را فرنگیس می گذارم. *وی ادامه داد: ما نمی توانیم تا جایی است که زیباکلام جوان ایرانی را در حد مطرب هم بر نمی تابد! خضریان در ادامه به مصاحبه زیباکلام با العربیه هم اشاره می کند که وی می گوید سه جزیره به درد ما نمی خورد و بدهیم برود.

زیباکلام از منظر دیگری راهبرد ما نمی توانیم خویش را توجیه می کند. وی می گوید که اگر ما به سازمان تجارت جهانی پیوندیم باید درب کارخانه ها و تولیدات داخلی را گل رس بگیریم و ادامه می دهد چون در آن صورت هیچ صنعتی از ما نمی تواند با کالاهای جهانی رقابت کند.

البته خضریان گفت که اگر ما به سازمان تجارت جهانی پیوندیم خوبی اش این است که می توانیم شما را به ترکیه

ششم در بحث هسته ای.

این بار کسی دست نزد

از راند دوم مناظره دیگر می توانی سخنان زیباکلام را پیش بینی کنی؛ سخنانی که به محور رژیم صهیونیستی و رفراندوم حمایت از اسرائیل، غنی سازی رادرفورد و... اختصاص دارد. در یک جمله حرف زیباکلام است که چون ما گفتیم اسرائیل باید محو شود این همه مشکل برای کشور پیش آمده است. برای این جملات کسی دست نزد.

خضریان با استناد به مکتوبات زیباکلام (مثل کتاب ما چگونه ما شدیم) ریشه این سخنان را تفکر «ما نمی توانیم» در وی می داند که «این مای ایرانی، مقصر همه عقب افتادگی هاست»

آیا مصدق هم ضد اسرائیل بود؟

خضریان می گوید در زمان مصدق که انگلیس علیه ما شکایت کرد آیا مصدق هم ضداسرائیل بود؟! آن موقع چرا ملی شدن نفت ما مخالف صلح جهانی قلمداد شد. البته آقای زیباکلام مصدق را مقصر می داند.

خضریان سپس به این

پیام امید به روشنفکر مسئول

دکتر علی شریعتی

درس امشب از یک سوره قرآن است، و نشان دهنده آن است که گویی هم اکنون نازل شده و خطاب به مسلمین هم اکنون دنیاست و شأن نزولش به وضعی است که مسلمانان دنیا در حال حاضر دارند و آن سوره روم است که...

به نام خدا، خدای محمد (ص) آخرین پیامبر آزادی، آگاهی و قدرت.

به نام خدای علی (ع)، عدالت مظلوم، مظهر اسلام حق و امام انسان.

به نام خدای خانه فاطمه (س)، که همه عشق و همه آرزو و همه امید نجاتمان این خانه کوچکی است که به اندازه همه جهان بزرگ است و...

به نام خدای ابوذر، خدای مستضعفین، خدای بیچاره شدگان تاریخ و زمان، خدای همه کسانی که از آغاز تا آخرالزمان و قیام قائم عدل گستر جهان شکنجه می‌دیدند و می‌بینند، محروم بودند و محرومند و به گونه‌گون به بیچارگی گرفتار می‌شدند و می‌شوند و اما همواره در مسیر ملت ابراهیم و وراثت جهاد آدم تا حسین و حسین تا همیشه برای نجات آدمی در تلاش مدام و دائمی‌اند و بوده‌اند و هستند... به نام خدای شهیدان، شهیدان راه راستی، حق، شهیدان شیعه، شهیدان راه علی در همه مکانها و در همه زمان‌ها.

شعله محبت علی (ع)

خواهران، برادران الان که اینجا نشسته بودم و منتظر آغاز برنامه بودم، برنامه شریفی را گوش می‌کردم، آن جوانی که برای شما قطعه‌ای را خواند، به این فکر افتادم که این علی چه شعله‌ای است و ایمان به علی چه آتشی است که حتی در این منجلاب عفنی که نسل‌های پوک، پوچ، آلوده و تباه می‌سازند، اگر جرقه‌ای از آن بر وجدان جوانی

بیفتد باز هم در چنین ظلمتی و چنین مردابی، با چنین سرعت و شگفتی او را بر می‌افروزد و با تمام وجود و هستی تبدیل به عشقش می‌کند. و این نمونه‌ای است برای همه کسانی که امید و ایمان دارند که با بر افروختن آتش علی، در این شبستان سرد و سیاهی که گرفتارش هستند، بتوانند نجات، آزادی و آگاهی بیابند.

نسل جوان و آزادی جنسی!

در سراسر جهان همه توطئه‌ها برای نابود کردن نسل جوانی است که می‌بینیم به جای همه حق‌ها و همه آزادی‌هایی که در آرزویش هست و نیاز به آن دارد، فقط به او «آزادی جنسی» می‌دهند، در سراسر جهان دستگاه‌های تبلیغاتی، مطبوعات، رادیوها، تلویزیون‌ها، هنر، همه در تلاش تامین چنین نیازی برای او هستند،

در مقابل از مکتب علی و شعله‌ای که از خانه متروک و خاموش فاطمه همواره جستن می‌کنند، اگر لیاقت آن را داشته باشیم که از این آتش قبسی بگیریم و ارمغان این نسل کنیم، می‌توانیم آتشی برافروزیم و امیدوار باشیم که در این رکود و سکوت و تفرقه، حرکت و امید، هدف و گرما و روشنایی ایجاد کنیم و نسلی بسازیم، درخشان و نیرومند، بر مینا و اساسی که علی با سکوتش، با جهادش و بارنجش برای ما گذاشته است.

آرزوی وحدت

این همه امیدی است و همه

تلاشی است که در حد خودمان، هر چند اندک، در جستجوی هستیم و امیدواریم که روزی برسد و آن روز خیلی دور نباشد که به جای بدبینی‌ها و به جای بدگویی‌ها و به جای بذرافشانی‌های سیاه و بدبینانه - که در میان برادران و همدلان و همدردان و پیروان خانواده علی و فاطمه می‌افشاند و می‌کوشند همه را روی در روی هم قرار دهند تا روی از دشمن بتابند و به خویش سرگرم شوند - روزی را داشته باشیم که به جای اتهام زدن، کوبیدن، طرد کردن، و لجن مال کردن، به پیروی از علی، از محبت و تفاهم و دوست داشتن یکدیگر لذت ببریم.

امیدوارم چنین روزی بسیار نزدیک باشد!

روزی که دانشجویان ما در کنار طلبه ما و استاد ما در کنار عالم ما و مؤمن ما در کنار روشنفکر ما و جوان ما در کنار پیر ما و متجدد ما در کنار متقدم ما و دختر ما در کنار مادرش و پسر ما در کنار پدرش و همه در یک صف، در کنار خانه فاطمه بایستیم، روی در روی همه توطئه‌هایی که علیه ما می‌شود. دعا کنید که آن روز زود برسد.

ریسمان قرآن

موضوعی که امروز برای سخن گفتن انتخاب کرده‌ام، بر اساس یک هدف و یک شعار کلی است که باید هدف و شعار همه ما بشود. این تنها سندی که داریم و تنها ریسمان استواری که هنوز از آسمان آویخته است و نیز

اداره‌ای، در هر کارخانه‌ای که هستیم، بکوشیم تا یک بنیاد قرآنی ایجاد کنیم و برای شروع - در هر سطحی - قابل قبول است.

بکوشیم که دو مرتبه همه مسجدی‌های ما، همه حسینیه‌های ما، همه محفل‌های دینی ما مسجد و محفل دینی قرآن باشد.

وسيله فهم درست قرآن

البته برای رسیدن به این هدف همه چیز، حدیث، روایت، تاریخ، سیره پیغمبر و سیره ائمه باید در پیرامون قرآن باشد، زیرا آنها وسیله فهم درست قرآنند، قرآن ما را از آنها بی‌نیاز نمی‌کند، و برای فهم و راه یافتن درست به قرآن، عترت بهترین راه درست رسیدن به قرآن است، ائمه ما بهترین و مطمئن‌ترین مفسرین قرآنی هستند

و علی‌بهترین کسی است که ما به وسیله او می‌توانیم قرآن را درست بخوانیم و بفهمیم، پس قلب باید قرآن باشد و نبض ما با تپش قرآن بزند.

و بدین گونه است که همه پراکندگی‌ها در پیرامون قرآن به وحدت خواهد آمد و همه سوء تفاهم‌ها و بدبینی‌ها - با زبان قرآن، و با میانجیگری قرآن - به تفاهم و وحدت بدل خواهد گشت.

است که: «سنگ زیرین اسلام قرآن است».

و قرآن علیرغم تمام توطئه‌هایی که در طول تاریخ شده تا مطرح نشود، محفوظ مانده و مطرح شده و تمام کوشش ما باید این باشد که قرآن را در جامعه مطرح کنیم. به شما که مرا به عنوان معلم



خود قبول دارید (به دانشجویان) عرض می‌کنم تمام تلاش ما باید این باشد، هر جا که هستیم، هر جا که می‌توانیم چند نفرمان جمع شویم، مسجدی داشته باشیم، حسینیه‌ای داشته باشیم، محفل مذهبی یا علمی و یا اخلاقی داشته باشیم، در هر شهری، در هر دهی و در هر محله‌ای، در هر

تنها پایگاهی که همه دسته‌ها، شعبه‌ها و فرقه‌های پراکنده ما می‌توانند به آن برگردند و در کنار آن بایستند تا برادری پیشین را تجدید کنند، «قرآن» است.

تنها سندی که نتوانسته‌اند کوچک‌ترین خدشه‌ای بر آن وارد کنند و یا کوچک‌ترین تحریفی چه کم و چه زیاد در آن به وجود آورند.

قدرت‌های بزرگ جنایتکار، خلفا، ملوک، علمای سوء و دشمنان داخلی و خارجی که ترس اساسی‌شان از قرآن بوده است، خوشبختانه، همه کار کرده‌اند، جز اینکه بتوانند قرآن را نفی و یا نابود کنند، و فقط تلاش کرده‌اند که قرآن را بد تفهیم کنند، تلاش کرده‌اند تا قرآن را از مسیر زندگی، تفکر و مطالعه و بینش صحیح و تحصیل مذهبی‌مان کنار بگذارند، کوشش کردند تا آنجایی هم که قرآن مطرح است

فقط به زیبایی تجلید و یا فقط به قرائتش منحصر باشد.

اما به هر حال آنچه که هست، و آنچه که برای همه مسلمان‌های جهان وجود دارد، پیر و جوان، تحصیل کرده و عامی، شیعی و غیر شیعی، شرقی و غربی، هرکس، از هر فرقه‌ای و از هر نسلی و با هر بینش و فرهنگی که باشد معتقد

بنابراین، امشب که شب خاصی است و از علی باید سخن گفت و به مسائل اخلاقی پرداخت و سخن خطابی گفت، بر عکس، یک متن خاصی را از قرآن انتخاب کرده‌ام و به عنوان نمونه دادن بی‌آنکه مدعی مفسر بودن یا عالم بودن قرآن باشم فقط به این عنوان که نشان بدهم، این گفته و ادعای طرفداران قرآن، که قرآن زنده است، یک نوع تبلیغ متعصبانه به کتاب آسمانی‌شان نیست، یک نمونه عینی دارد که هر فرد مسلمان یا غیر مسلمان منصف و آگاه و بی‌غرض می‌تواند حسش کند.

روشنفکر و آگاهی و آزادی

درس امشب از یک سوره قرآن است، و نشان دهنده آن است که گویی هم اکنون نازل شده و خطاب به مسلمین هم اکنون دنیاست و شأن نزولش به وضعی است که مسلمانان دنیا در حال حاضر دارند و آن سوره روم است که یک پیام شگفت انگیز زنده و نیرومندی به همه روشنفکران مسئول زمان ماست، روشنفکر مسئول جامعه مسلمانی که می‌کوشد تا مسلمانان را در این درگیری‌ها و جبهه گیری‌های نیرومند جهان راه نجات بیاموزد و آگاهی و آزادی به آنها ارائه دهد؛ مخاطب، چنین مسلمان مسئول و آگاه است.

این است که من از آقایان عذر می‌خواهم که بر خلاف آنچه که رسم مجالس دینی ما است یک سوره از قرآن را در شکل

تفسیری و درسی مطرح می‌کنم، زیرا که خود شما نشان دهنده وضع حاضر جامعه ما و اذهان عمومی ما هستید و نیاز و حرکت و ضرورت زمان را حس کرده‌اید و ریشه و علت هر چه که می‌گذرد و هر چه که هست تشخیص می‌دهید.

هر شهری، در هر دهی و در هر محله‌ای، در هر اداره‌ای، در هر کارخانه‌ای که هستیم، بکوشیم تا یک بنیاد قرآنی ایجاد کنیم و برای شروع - در هر سطحی - قابل قبول است.

قرآن در همه تحولات و تغییرات ثابت می‌ماند

همچنان که گفتم سوره روم یکی از نشانه‌های اثبات این اصل است که قرآن زنده است در حالی که همه چیز در تغییر است، همه چیز می‌میرد، می‌زاید، دردها و نیازها و بینش‌ها و سرنوشت جوامع بشری همیشه در حال تغییر و عوض شدن است، ولی قرآن سخنی است که در همه تحولات و تغییرات ثابت می‌ماند و اثر عملی دارد، و به انسان آگاه در هر شرایطی اعم از سیاسی، فرهنگی، طبقاتی و اجتماعی که گرفتار باشد راه نشان می‌دهد و او را نجات می‌بخشد.

سوره روم برای اینکه فرصت

کم است متن کامل سوره روم را نمی‌خوانم؛ بیشتر به آیاتی تکیه می‌کنم که به آن پیام مربوط است و از آقایان دانشجویان خواهش می‌کنم بعداً هر گاه فراغتی پیدا کردند، تمام سوره را با روایات و تفاسیری که درباره این سوره آمده است مطالعه و درباره آن تعقل کنید تا محتوای عظیم و غنی این سوره را کشف کنید و نمونه‌ای باشد که چگونه می‌توانیم به قرآن برگردیم.

روشنفکران به قرآن برگردند

بنابراین هر روشنفکر مسئول امروز که در جامعه اسلامی برای راهیابی، و انجام تعهد و مسئولیتی که در قبال جامعه‌اش در جستجوی مکتب‌ها و راه حل‌ها و ایدئولوژی‌ها گوناگون دارد، اگر به این کتاب بزرگ برگردد، می‌تواند برای نجات جامعه مسلمان از وضعی که دارد بهترین آموزش‌ها را از این کتاب بگیرد و معجزه و جاودان بودن این کتاب را عملاً حس کند.

غرب با ژن ایرانی مشکل دارد نه تعداد سانتریفیوژها

| احسن عباسی |

سایبری

عباسی در ادامه افزود: سناریو دیگر حمله سایبری بود که ویروسی را در سانتریفیوژها ایجاد کردند که باعث می شد سانتریفیوژها بادور تند بچرخد و ذوب شود اما سیستم امنیت کشور توانست ضد این ویروس را طراحی کند.

ترور دانشمندان

هسته ای

سومین سناریو ترور دانشمندان هسته ای بود و آنها می خواستند تعدادی را ترور کنند و بقیه بترسند و از فعالیت هسته ای دست بردارند. وی به سخنان مقام معظم رهبری اشاره کرد و گفت: مقام معظم رهبری فرموده اند مسئله اتمی، هسته ای و دستاوردهای آن بسیار مهم است ولی تعدادی از افراد که نمایندگان سابق مجلس بودند به راحتی اعلام می کردند که انرژی هسته ای فایده ای برای کشور ندارد.

این استاد و پژوهشگر به ترور دانشمندان هسته ای اشاره کرد و گفت: در باره ترور دانشمندان هسته ای سناریو غرب و آمریکا ناکام ماند چرا که موج روز افزونی از شاگردان اساتید و دانشمندان ترور شده سراغ فیزیک هسته ای رفتند.

حمله مستقیم نظامی

چهارمین سناریو حمله مستقیم نظامی است که از سمت شرق ایران حمله شد و این حمله توسط هواپیمای بدون سرنشین انجام می شد. نیروی هوا و فضای سپاه توانسته هواپیمای فوق پیشرفته را در شرق ایران سالم به زمین بنشانند این مسئله آن قدر جهانی

نشان می دهیم. این نشان می دهد که غرب می خواهد همه مشکلاتش را با ایران و اسلام از طریق مذاکرات حل کند. این جاست که باید هوشیاری اسلامی خود را حفظ کنیم. تمام این سال ها اصرار داشتند که ایرانیان نمی توانند و اگر کسی بیرون از مدرنیته و با اعتقاد به خدا کاری را بخواهد انجام دهد نمی تواند.

سناریوهای غرب و امریکا علیه ایران

عباسی به سناریوهای غرب و آمریکا علیه ایران اشاره کرد و گفت: چهار سناریو علیه ایران داشته اند اول اینکه تحریم ها را شدیدتر کردند که به آن استراتژی قورباغه می گویند و یازده مدل استراتژی را در طول ۱۳ سال برای ما لحاظ کردند که جواب نداد. هر روز با استراتژی های جدید برای ایران نقشه می ریزند ولی ما سخنی نگفتیم.

و در ۱۸ ماه توانستیم به موفقیت و سوخت ۲۰ درصد برسیم.

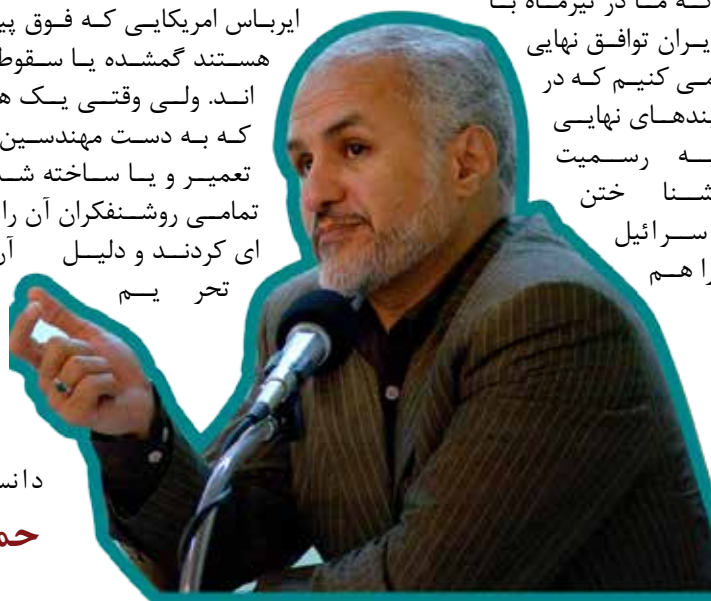
در ۱۵ ماه گذشته تعداد زیادی ایرباس آمریکایی که فوق پیشرفته هستند گمشده یا سقوط کرده اند. ولی وقتی یک هواپیما که به دست مهندسين ایرانی تعمیر و یا ساخته شده بود تمامی روشنفکران آن را رسانه ای کردند و دلیل آن را تحریم ها

عباسی در آمفی تئاتر دانشگاه صنعتی امیرکبیر گفت: قصه هسته ای ما قصه تقابل سه هزار ساله غرب با ایران است. نگرانی غرب از آنچه که هجوم داعشی ها و سرویس های ترکیه صورت گرفته و آنچه که در یمن است همه در یک نکته خلاصه می شود و آن این است که آنها یک عقبه تاریخی را در ذهن و تاریخ خود دارند که سردار سلیمانی برایشان سپهد سورنا تداعی می کند و این شکست برای آنها در حال تکرار است. وی با تأکید بر اینکه مشکل غرب با ایران بر سر سانتریفیوژها نیست گفت: غرب مشککش با ما بر سر سانتریفیوژ نیست بلکه با عقبه ما مشکل دارند حرفی که خود آمریکایی ها گفتند این است که ژن ایرانی مشکل دارد ژن ایران به سانتریفیوژ ربطی ندارد.

رسمیت اسرائیل

وی به سخنان وندي شرمن اشاره کرد و گفت: در یک روزنامه اسرائیلی از قول شرمن گفته شده که ما در تیرماه با

ایران توافق نهایی می کنیم که در بندهای نهایی به رسمیت شناختن اسرائیل را هم



دانستند؟

حمله

شد که دانشمندان چین و ژاپن مشتاق بودند که این هواپیمای فوق پیشرفته را بررسی کنند که البته توسط دانشمندان ما ظرف چند ماه بازسازی شد.

شکار هرمس

وی به شکار هرمس اشاره کرد و گفت: شکار هرمس شهریور ۹۳ توسط هواوفضای سپاه انجام شد که این هواپیما از کشور آذربایجان و به قصد جاسوسی از نیروگاه نطنز وارد خاک شده بود که خوشبختانه شکار شد.

عباسی در ادامه افزود: قرار است در تیرماه توافق صورت بگیرد و تحریم ها برداشته شود و از صددرصد هسته ای ما تنها ۱۰ درصد آن پذیرفته شود! اگر کل هسته ای را بدهیم رژیم را تغییر دهیم و ولایت فقیه را هم کنار بگذاریم و به سال ۵۷ برگردیم با این حال تأثیر رابطه این چنینی با غرب اقتصاد ما را به ۵ درصد هم نمی رساند و رابطه این چنینی با اقتصاد غرب تنها ۵ درصد می شود. مردم نباید فقط بهبود شرایط اقتصادی را بعد از رفع تحریم ها بدانند این مانند آن است که مردم به حالت خلسه ببریم و این اشتباه است چرا که مردم باید خود دست به کار شوند.

جای خالی وزیر اقتصاد در مذاکرات؟

وی با طرح چند سوال سخنان خود را ادامه داد و گفت: اگر ما پای میز مذاکره برای برد برد رفتیم چطور شد که رئیس سازمان انرژی اتمی ما و وزیر انرژی آنها چندین هفته روی جزئیات هسته ای مذاکره کردند ولی در بخش تحریم ها وزیر اقتصادی و رئیس بانک

مرکزی ما با همتای امریکایی خود صحبت و مذاکره نکرد؟ این مایه نگرانی ماست.

چرا لوزان؟

این استاد دانشگاه افزود: چرا اجازه دادید در شهری مانند لوزان این مذاکرات صورت بگیرد؟ بیانیه لوزان در صد سال پیش یک بیانیه خفت بار برای ترکیه و عثمانی بوده است. چرا ما باید در شهری مذاکره کنیم که یک عقبه تاریخی دارد.

قیمت نفت

عباسی افزود: وقتی فکر کنید جهان امن تر شد نفت به زیر ۵۰ دلار می رسد چرا که وقتی سال ۸۴ نفت ۵۰ دلار بود همین که مشخص شد ایران می خواهد فک پلمپ کند قیمت نفت بالا رفت. امروز اگر اعلام شود که ایران هیچ کدام از تعهدات را نمی پذیرد نفت به بالای صد دلار می رسد چرا که بازار احساس می کند که قرار است بین ایران و امریکا جنگ شود.

اعتبار پاسپورتها کجاست؟

وی به خدشه دار شدن عزت ایرانی اشاره کرد و گفت: عزتی که قرار بود در سیاست خارجی به دست آید. عزت برای پاسپورت ایران آیا این بود که عربستان در فرودگان به ایرانیان تجاوز کند؟ در سال ۸۰ گفتگوی تمدن ها از سوی سازمان ملل تصویب شد اما زمستان ۸۰ ایران را محور شرارت قرار دادند امروز هم رفتید در برابر غرب لبخند زدید اما در حال حاضر پاسپورت ایرانی هیچ ارزشی ندارد.

آینده اقتصاد امریکا

وی با تأکید بر اینکه تا دلار مبنای اقتصاد این مملکت است این کشور دچار مشکل و بدبختی است گفت: کسی که گفت اقتصاد غرب و امریکا خوب است حتما از آمار اطلاعی ندارد اقتصاد جهان ۵۷/۳ تریلیون دلار بدهی دارد و بالاتری بدهی برای امریکایی شمالی و بعد کانادا، مکزیک کل اروپا و برزیل است.

مگر یونان با اسرائیل مشکل دارد؟

این تحلیل گر سیاسی در پایان خاطرنشان کرد: اگر رابطه دردی را دوا می کند چرا ایتالیا این قدر مشکل اقتصادی دارد؟ کشور یونان اسرائیل را به رسمیت می شناسد و هسته ای را دنبال نمی کند پس چرا وضع اقتصادی ناپسامانی دارد؟ اگر امریکا می توانست مشکل اقتصادی را حل کند مشکل شهر دیتروید حل می کرد.

اقتصاد درون زا

مقام معظم رهبری به اقتصاد درون زا تأکید کرده است. برخی اساتید لیبرال ایرانی نمی خواهند باور کنند امریکا در حال افول است چرا که پروفیسور والتر اشتاین وقتی به ایران آمد و می خواست راجع به اقتصاد امریکا صحبت کند برخی اساتید لیبرال ایرانی به او گفتند در ایران درباره افول امریکا صحبت نکن.

هزینه های حکومت جهانی

روزی شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید :

مردم می گویند وقتی حضرت مهدی علیه السلام قیام کند کارها به طور طبیعی پیش می رود و سامان می یابد و ذره ای خونریزی نمی شود!

امام علیه السلام فرمود : سوگند به خدا چنین نیست. اگر چنین چیزی ممکن بود در مورد پیامبر اسلام صلی الله و علیه و آله و سلم صورت می گرفت در صورتی که دندان و پیشانی پیامبر اکرم صلی الله و علیه و آله و سلم در جنگ با دشمنان شکست. بعد فرمودند :

«والذی نفسی بیده حتی نمسح نحن و انتم العرق و العلق ثم مسح جبهه.»

قسم به آنکه جانم بدست اوست، حکومت جهانی حضرت به دست نمی آید مگر ما و شما عرقها و خونهاى فراوان بریزیم. (یعنی رنجهای بی شمار تحمل کنیم.) سپس حضرت دست بر پیشانی مبارکش کشید.

(بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۷)

عجله نکنید

به خاطر همین سختیهای زمان

انقلاب جهانی حضرت است که در بسیاری از روایات به انسانهای راحت طلب تذکر داده شده که عجله نکنید، یعنی شما از فرصتی که پیش آمده برای خودسازی استفاده کنید تا وقتی حضرت آمد، بتوانید در صف یاران او قرار گرفته و در مقابل مشکلات آن زمان کمر خم نکرده و از میدان به در نروید.

امام صادق علیه السلام می فرمایند :

« ما تستعجلون بخروج القائم! فوالله ما لباسه الا الغلیظ و ما طعامه الا الشعیر الجشب و ما هو الا السیف و الموت تحت ظل السیف. »

(بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۴)

عجله نکنید برای خروج و قیام حضرت قائم علیه السلام که بخدا قسم لباسهای او زبر و خشن و غذایش بسیار ساده و از نان جو می باشد. (یعنی زندگی او و یارانش بسیار ساده و زاهدانه است.) و قیام و انقلاب او با جنگ و سختی و مردن در سایه شمشیرها همراه خواهد بود.

(کنایه از اینکه کسی که عجله

می کند برای ظهور حضرت باید خود را برای سختیها و مشکلات آن دوران آماده کرده باشد.)

اگر می دانستید

در روایت دیگری امام باقر علیه السلام می فرمایند :

« لو یعلم الناس ما یصنع القائم اذا خرج، لاحب اکثرهم ان لا یروه... »

(بحار، ج ۵۲، ص ۳۵۴)

اگر مردم از کیفیت و چگونگی قیام امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف آگاه بودند اکثرشان آرزو می کردند که در زمان ظهور او نبوده و او را نبینند. و این به خاطر آن است که اکثر مردم به راحتی و عیش خو کرده اند و اگر مختصری رنج در راه پیاده کردن احکام الهی ببرند دادشان به آسمان رفته و میدان را خالی می کنند هر چند جلودار و رهبرشان امام زمان علیه السلام باشد. والا تمام کارها و برنامه های امام عصر (عج) طبق خواست و رضایت خدای متعال است.

دل مصرو یمن خون شد ز مکر نابرا درها

سرم را می زنم از بی کسی گاهی به درگاهی
نه با خود زاد راهی بردم از دنیا، نه همراهی

اگر زاد رهی دارم همین اندوه و فریاد است
«نه بر مژگان من اشکی نه بر لبهای من آهی»

غروبی را تداعی می کنم با شوق دیدارش
تماشا می کنم عطر تنش را هر سحرگاهی

دلیم یک بار بویش را زیارت کرد... این یعنی
نمی خواهد گدایی را براند از درش شاهی

نمی خواهم که برگردد ورق، ابلیس برگردد
دعای دست می گویی، چرا چیزی نمی خواهی؟

از این سرگشتگی سمت تو پارو می زنم مولا!
از این گم بودگی سوی تو پیدا می کنم راهی

به طبع طوطیان هند عادت کرده ام، هندو
همه شب رام رامی گفت و من الله الهی

هلال نیمه ی شعبان رسید و داغ دل نو شد
دعای آل یاسین خوانده ام با شعر کوتاهی

اگر عصری ست یا صبحی تو آن عصری تو آن
صبحی
اگر مهری ست یا ماهی تو آن مهری تو آن ماهی

دل مصر و یمن خون شد ز مکر نابرا درها
یقین دارم که تو آن یوسف افتاده در چاهی

علیرضا قزوه

مدعی کوید که با یک گل نمی آید بهار
من گلی دارم که دنیا را گلستان می کند



در مجله سراج چه هدفی را دنبال می کنید؟

| پاسخی به یک نامه |

به نام خدا
با سلام و احترام
از اینکه مجدداً مجله سراج راه افنا شده است خوشحالم و به شما که همت عالی دارید تبریک می گویم .
اقای دکتر می دانم مشغله های فکری شما بسیار زیادند می دانم هر بار که می خواستیم با شما ارتباطی داشته باشیم کلاً فرصت نداشتید و وقتتان بسیار محدود بود . اما من عقیده دارم اگر کسی بخواهد به شخصی اهمیت بدهد حتماً جایی یا وقتی برایش منظور میکند . می دانم نوشته من باعث دلخوری شما خواهد شد اما دوست دارم به اتهاماتی که در ذهنم بوجود آمده پاسخی قانع کننده بدهم .
حدوداً مهر ماه ۹۳ نامه ای خدمتتان ارسال کردم با ادرس ایمیل دیگران مبنی بر اینکه در دین و اعتقاداتم شک و شبهه بسیار ایجاد شده و جوابی از سوی شما دریافت نکردم .
...چطور جوابی برای کسی که دینش در معرض خطر بود ندادید و اینک در این مجله سراج چه هدفی را دنبال میکنید . چه هدایتی و چه روشنگری ؟ برای چه کسی ؟
خیلی وقتها خیلی چیزها دیر میشود فکر کنم برای هدایت من خیلی دیر شده
مطمئن هستم که شما صادقانه در پی روشنگری هستید و در پی کسب شهرت نیستید . پس جواب نامه ام را بدهید .
متشکرم . سلامت و تندرست باشید .



از مذهبی های دیروز تا لامذهبهایی امروز

به نام خدا

با سلام و خسته نباشید

ابتدا در باره نامه های قبلی تان عرض کنم که بنده چند سال است که بجز همین ایمیل دانشگاهی ایمیل دیگری ندارم و سایر ایمیل هایم مسدود شده اند لذا نامه ای از شما دریافت نکرده ام .

نامه فعلی جنابعالی نیز در قسمت Junk mail رفته بود و من امروز کاملاً اتفاقی آن را دیدم.

اما در باره شک و شبهه هایی که برایتان پیش می آید به نظرم بهترین کار بی اعتنایی به آنهاست . در درجه بعد هم اگر واقعا سوال قابل اعتنایی برای تان مطرح شد می توانید با کسانی که فکر می کنید صلاحیت و توانایی لازم را برای پاسخگویی دارند مطرح نمایید. بنده هم در حد توانم آماده پاسخگویی هستم البته بشرطی که نامه تان به دستم برسد.

ریشه شبهات، شهوات است !

به طور سربسته بگویم بسیاری از شبهات و تردیدها که به ذهن می آیند تابع شهوات و امیال ما هستند. انسان ابتدا به چیزی میل پیدا می کند بعد خودآگاه یا ناخودآگاه تلاش می کند آن را برای خودش توجیه کند و دلایلی برای درستی آن دست و پا کند.

کانال های ماهواره

مثلاً اول میل پیدا می کند که برنامه های متنوع و رنگارنگ ماهواره را ببیند بعد دلیل تراشی می کند که ماهواره برنامه های مفید هم دارد، زبان انسان تقویت می شود، برنامه های مستندش خیلی عالی است و!

در حالیکه جالب است بدانید حتی در یک هتل ۵ ستاره کشورهای آسیایی و اروپایی هم من ندیدم که این تعداد کانال ماهواره ای آزادانه در اختیار توریستهایی که شبی صدها یورو می پردازند قرار گیرد؟

راستی چرا کانالهای کشورهای مختلف، حتی برای توریست

ها کنترل می شوند اما ما که محدودیت های شرعی بسیار بیشتری داریم ، فضای فرهنگی مان را رها کرده ایم تا در هر خانه ای هزاران کانال ماهواره ای دریافت شود؟

مرد عنکبوتی موثر تر است یا ما ؟

شما گمان می کنید تاثیر من و شما بر تربیت و اخلاق فرزندمان بیشتر است یا تاثیر مرد عنکبوتی و بتمن و سایر هنرپیشه های زن و مرد هالیوودی؟!

از مدل موی سر گرفته تا نوع لباس پوشیدن و دکوراسیون منزل و حتی طرز فکرمان روزانه تحت تاثیر امواج بسیار قوی و پر نفوذ شبکه های مختلف است و خودمان هم نمی دانیم و خیال می کنیم خودمان آزادانه؟! تصمیم گرفته ایم که چنین و چنان باشیم!

در عصر انفجار اطلاعات و بمباران تبلیغات، مردم خیال می کنند آزادند و خودشان تصمیم می گیرند ولی در واقع اسیر دست تبلیغاتچی های سودجو و منفعت طلبند و بدون آنکه بفهمند مطابق میل آنها زندگی می کنند.

تأثیرات محیط و جامعه

پس اگر کسی بپرسد که چگونه می شود که گرایشات و امیال انسان تغییر جهت می دهند و مثلاً بسیاری از مذهبی های دو آتیشه دیروز، لامذهبهایی لائیک امروز می شوند؟

باید گفت اگر چه دلایل متعددی برای تغییر گرایش و نگرش افراد می توان شمرد اما شاید عمومی ترین و مهمترین آن تأثیرات محیط و جامعه باشد! جامعه مانند رودخانه خروشان است که به هر سمت برود اکثریت مردم را با خود می برد و تنها اقلیت کوچکی هستند که در مقابل جو عمومی جامعه ایستادگی کرده و تن به روزمرگی اکثریت نمی دهند.

اراده و عزم بالایی می خواهد که انسان به جای اکثریت، حقیقت را انتخاب کند!

اکثریت یا اقلیت

و همین جا تاکید می کنم که

اکثریت و اقلیت هیچکدام ملاک درستی راه کسی نیست و آنچه مهم است پافشاری بر حقیقت است که چون سخت و پرهزینه است اکثریت از آن گریزانند معمولاً اهل حق در اقلیت اند

لذا قرآن در بسیاری از آیات خود، اکثریت را کوبیده و از اقلیت حمایت کرده زیرا اکثریت مردم به دنبال روزمرگیهای زندگی اند و تلاشی برای تقویت عزم و اراده خود، که جوهره انسانیت است نمی کنند. الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه!

گفتن حرف حق آسان است اما ایستادگی بر حرف حق، کار هرکسی نیست.

راستی چرا بین میلیاردها انسانی که پا به این دنیا گذاشتند فقط ۵ نفر پیامبر اولوالعزم و صاحب اراده شدند؟

وظیفه ما چیست؟

نکته آخر اینکه در این وانفسای فرهنگی که بر جامعه حاکم است شما اولین وظیفه تان اصلاح خود تان است و برای این کار، شاید مهمترین مطلب کنترل کردن روابط خود با دیگران است.

ارتباط زیاد و صمیمی با افراد بی اعتقاد، اعتقادات انسان را سست می کند به همین خاطر بسیاری از شبهات فکری و عملی شما ناشی از دوستانان است بدون اینکه خودتان بدانید. زیرا :

می رود از سینه ها در سینه ها از ره پنهان صلاح و کینه ها

در نقطه مقابل ارتباط و دوستی با انسانهای مومن و معتقد ، بطور ناخودآگاه پایه های ایمانی انسان را تقویت می کند.

در پایان از دعا و توسل هم غافل نشوید که کیمیای سعادت و کلید اصلی هدایت انسان همین است و بس.

آنانکه خاک را بنظر کیمیا کنند
آیا شود که گوشه چشمی به ما کنند
دردم نهفته بنه ز طیبیان مدعی
باشد که از خزانه غیبش دوا کنند
موفق باشید

۹۴/۱/۲۵

داعشی های شیعه نما

در سالهای اخیر و به برکت فعالیت خوب و حساب شده سازمان های جاسوسی، از میان روحانیت معظم و حوزه های علمیه افرادی ظهور کرده اند که بسیار سخت می توان باور کرد که این بزرگواران تحت حمایت و هدایت سازمان های اطلاعاتی دشمن نباشند.

مثلا یک طلبه افغانی! به نام **اللهیاری** در آمریکا شبکه ماهواره ای راه می اندازد (احتمالا با پس انداز شهریه طلبگی اش هزینه های این شبکه را می دهد!) این طلبه جوان، ابتدا خود را به عنوان یک شیعه تنوری معرفی می کند و جوانان مذهبی بسیاری را به خود خوشبین می کند! اما کم کم رویه اش را تغییر می دهد و با ادعای دفاع از شیعه (!؟) به زمین و زمان بد و بی راه می گوید؟

و گاهی چنان تنوری می شود که به امام خمینی و باقی مراجع بزرگوار شیعه نیز می تازد و برخی از آنان را تکفیر می کند؟!

و البته خدا را شکر که این هتاک تفرقه افکن حساب خود را از انقلاب اسلامی و رهبر انقلاب جدا نمود تا برادران اهل سنت بدانند که این شیوه بی ادبانه راه و رسم بزرگان اسلام و انقلاب در دفاع از شیعه نیست و ما اگر حرفی داریم با رعایت اخلاق و ادب و حفظ وحدت اسلامی، در محافل علمی خواهیم زد و کوبیدن بر طبل تکفیر و توهین از سیره اهل بیت و پیروان آنان ما بدور است.

شیعیان لندن نشین

یکی دیگر از گروههای تفرقه افکن وهتاک، **سازمان شیرازیها به رهبری سید مجتبی شیرازی است.** این جماعت نیز با ایجاد یک تشکیلات قوی به قول خودشان سعی در تبلیغ شیعه دارند و البته مانند همتای لس آنجلسی خود (اللهیاری) برای این کار هیچ مرز اخلاقی هم نمی شناسند لذا با انواع سبک های فحاشی، رقاصی، تهمت زنی، بادکنک هوا کردن، کیک تولد با نوشته توهین آمیز درست کردن! سعی در مطرح نمودن خود و ایجاد طالبانیسم شیعی دارند.

البته گمان نکنید که فحاشی و اهانت آنان فقط شامل حال برادران اهل سنت و بزرگان آنان می شود بلکه آنان از به کار بردن کلمات رکیک نسبت به برخی همسران پیامبر و دشنام دادن به رهبران جمهوری اسلامی و بزرگان شیعه نیز ابایی ندارند.

و باز هم خدا را شکر، که اینان نیز حساب خود را از انقلاب و امام جدا می کنند تا همگان بدانند که اسلام آمریکایی و شیعه انگلیسی که این کاسه های داغ تر از آش معرفی می کنند زمین تا آسمان با اسلام ناب محمدی (ص) متفاوت است. اسلام ناب امام، منادی وحدت شیعه و سنی بلکه منادی وحدت همه ادیان آسمانی و همه مستضعفان عالم علیه مستکبران بود. اسلام امام زبان تفرقه انداز را زبان شیطان می نامید. اما اسلام لس آنجلسی این مدعیان دروغگو، هدف اصلی اش نابودی وحدت شیعه و سنی است.

ماجرای گاو و سفیر انگلیس

حکایت است که در زمان امیرکبیر، سفیر بریتانیا در ایران از بازاری عبور می‌کرده که تجمع مردم در کنار یک مسجد توجهش را جلب می‌کند. بعد از پرس‌وجو متوجه می‌شود که یک گاو از دست قصاب به داخل مسجد فرار کرده است؛ به همین دلیل در بین مردم (که عقاید مذهبی‌شان به خرافات آلوده بود) این‌طور پیچیده است که این مسجد تقدس خاصی دارد که این گاو به این مسجد پناه آورده است. هنگامی که سفیر بریتانیا به سفارت‌خانه‌اش باز می‌گردد دستور می‌دهد یک هدیه‌ی ارزشمندی



با هزینه‌ی سفارت تهیه و به آن مسجد اهدا شود. هنگامی که این موضوع به گوش امیرکبیر می‌رسد، بسیار خشمگین می‌شود و دستور می‌دهد آن سفیر از ایران اخراج شود.



عیدالزهره

این‌طور ادله را پیدا کنند، پیدا می‌کنند. نه سبی، نه طعنی، نه شتمی، هیچ کدام لازم نیست. بلکه این [استدلال کردن] مهم‌تر است و ممکن است - خدا می‌داند - چقدرها را داخل در حق بکند. از این مطلب غافلند که بابا این مقدم است. یکی از این ده‌تا [استدلای] که در عمر خودش تهیه کرده است، خدا می‌داند چقدرها را مستبصر می‌کند. چرا از این [استدلال کردن] غافلید، این مقدم است بر اینکه مجلس تهیه بکنید و از این کارها....

ما باید ملتفت باشیم، از برهان تعدی نکنیم و بدانیم که برهان، چیزهایی را دارد که اصلاً این‌طور عمل‌ها ندارد.

علمایی که در زمان ما بودند، بلکه قدری هم جلوتر از زمان ما بودند، بعضی [از مردم] از اینها اعانه می‌خواستند، برای عیدالزهره؛ بعضی [از علما] نمی‌دادند، بعضی‌ها هم می‌دادند. بنده خیال می‌کنم اهل علم، اگر می‌خواهند اینجا (عیدالزهره) خدمتی بکنند به اهل بیت علیهم‌السلام، برای اهل استدلال از اینها متعین است، که سعی بکنند دلیلی بر خلافت امیرالمؤمنین صلوات‌الله‌علیه ذکر بکنند؛ ساده، برهانی، یقین‌آور، به‌طوری‌که اگر این دلیل رابه دیوار بگویند و اذن داده شود به دیوار که بگو، تصدیق کند قول او را و بگوید حق به جانب توست.

و من قاطع هستم به اینکه اهل استدلال و ایمان اگر بخواهند





شیعه ای در مرز کفر

|در محضر استاد ۳، آقا مجتبی تهرانی|



رَوَى عَنْ يَزِيدِ الصَّائِغِ قَالَ:

قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ عَلَيَّ هَذَا الْأَمْرَ إِنْ حَدَّثَ كَذَبَ وَإِنْ وَعَدَ أَخْلَفَ وَإِنْ أَتَيْتُمْنِي خَانَ. مَا مَنَزَلْتُهُ؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: هِيَ أَدْنَى الْمَنَازِلِ مِنَ الْكُفْرِ وَ لَيْسَ بِكَافِرٍ [كافى، ج ۲]

فَرَدَى به نام یزید صائغ می گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شخصی شیعه است ولی وقتی سخن می گوید دروغ می -گوید؛ هنگامی که وعده ای داده و قرار می گذارد، بدقولی می کند؛ وقتی که چیزی نزد او به امانت بگذرانند، خیانت در امانت می کند. جایگاه ایمانی این مرد چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمودند: جایگاه و منزلت او در ایمان در نزدیک ترین محل به جایگاه کفر است، ولی هنوز کافر نشده است.

شرح: در روایات، این تعبیر کنایی است و وقتی نمی خواستند بگویند چه کسی است این تعبیر را استفاده کرده و می گفتند: «رَجُلٌ عَلَيَّ هَذَا». با اینکه این شخص شیعه است و شما را به امامت قبول دارد، ولی سه عمل را به راحتی انجام می

دهد:

تومی از دروغ گفتن ندارد؛ همان موقع که وعده ای می دهد، قصد عمل به آن وعده را ندارد، و به امانتی که نزد او گذاشته شده است چه مالی و چه غیر آن باشد، خیانت می کند. چنین انسانی نزدیک ترین جایگاه به کفر را دارد.

این اعمالی که به نظر مهم نمی آید، ایمان را فرسایش می دهد، به گونه ای که اگر ایمان بماند آن قدر به کفر نزدیک است که با یک حرکت از ایمان خارج شده و در نتیجه به کفر می رسد.

پس انسان هر چقدر از ایمان دور شود، به همان نسبت به کفر نزدیک تر می شود و نعوذ بالله زمانی که به وادی جهنمی کفر سقوط کرد، قرین و همدم شیطان می شود، و هرکس که شیطان قرین و همدم او شود. دچار قرین و همدم بسیار بدی شده است «وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا [نساء، ۳۸]



آشنایی با عرفان اسلامی (۳)

است به معانی و مفاهیمی که غالباً آنها را می شناسند، اما عناصر روحی عرفانی بسی وسیعتر و گسترده تر است. در سیر و سلوک عرفانی از یک سلسله احوال و واردات قلبی سخن می رود که منحصر به یک «سالک راه» در خلال مجاهدات و طی طریق ها دست می دهد و مردم دیگر از این احوال و واردات بی خبرند.

مقایسه عرفان و فلسفه

بخش دیگر عرفان مربوط است به تفسیر هستی، یعنی تفسیر خدا و جهان و انسان. عرفان در این بخش مانند فلسفه است و می خواهد هستی را تفسیر نماید، برخلاف بخش اول که مانند اخلاق است و می خواهد انسان را تغییر دهد. همچنانکه در بخش اول با اخلاق تفاوتی داشت، در این بخش با فلسفه تفاوتی دارد.

به مرحله و منزل به منزل طی نماید، و رسیدن به منزل بعدی بدون گذر کردن از منزل قبلی ناممکن است.

لهذا از نظر عارف، روح بشر مانند یک گیاه و یا یک کودک است و کمالش در نمو و رشدی است که طبق نظام مخصوص باید صورت گیرد ولی در اخلاق صرفاً سخن از یک سلسله فضائل است از قبیل راستی، درستی، عدالت، عفت، احسان، انصاف، ایثار و غیره که روح باید به آنها مزین و متحلی گردد.

از نظر اخلاق، روح انسان مانند خانه ای است که باید با یک سلسله زیورها و زینتها و نقاشیها مزین گردد بدون اینکه ترتیبی در کار باشد که از کجا آغاز شود و به کجا انتها یابد، مثلاً از سقف شروع شود یا از دیوارها و از کدام دیوار، از بالای دیوار یا از پایین. در عرفان بر عکس، عناصر اخلاقی مطرح می شود اما به اصطلاح به صورت دیالکتیکی، یعنی متحرک و پویا. ثالثاً عناصر روحی اخلاقی محدود

مقایسه اخلاق و عرفان

بخش عملی عرفان مانند علم اخلاق است که درباره «چه باید»ها بحث می کند با این تفاوت که: اولاً عرفان درباره روابط انسان با خودش و با جهان و با خدا بحث می کند و عمده نظرش درباره روابط انسان با خداست و حال آنکه همه سیستمهای اخلاقی ضرورتی نمی بینند که درباره روابط انسان با خدا بحث کنند، فقط سیستمهای اخلاقی مذهبی این جهت را مورد عنایت و توجه قرار می دهند.

ثانیاً سیر و سلوک عرفانی همچنانکه از مفهوم این دو کلمه پیداست پویا و متحرک است، بر خلاف اخلاق که ساکن است، یعنی در عرفان سخن از نقطه آغاز است و از مقصدی و از منازل و مراحل طی که به ترتیب سالک باید طی کند تا به سرمنزل نهایی برسد. از نظر عارف واقعا و بدون هیچ شائبه مجاز، برای انسان «صراط» وجود دارد و آن صراط را باید بپیماید و مرحله



رابطه عرفان و اسلام

عرفان، هم در بخش عملی و هم در بخش نظری با دین مقدس اسلام تماس و اصطکاک پیدا می کند، زیرا اسلام مانند هر دین و مذهب دیگر (و بیشتر از هر دین و مذهب دیگر) روابط انسان را با خدا و جهان و خودش بیان کرده و هم به تفسیر

و توضیح هستی پرداخته است. قهرا اینجا این مسأله طرح می شود که میان آنچه عرفان عرضه می دارد با آنچه اسلام بیان کرده است چه نسبتی برقرار است؟ البته عرفای اسلامی هرگز مدعی نیستند که سخنی ما ورای اسلام دارند، و از چنین نسبتی سخت

تبری می جویند. بر عکس، آنها مدعی هستند که حقایق اسلامی را بهتر از دیگران کشف کرده اند و مسلمان واقعی آنها می باشند. عرفا چه در بخش عملی و چه در بخش نظری همواره به کتاب و سنت و سیره نبوی و ائمه و اکابر صحابه استناد می کنند.

لغزشگاههای اندیشه از دیدگاه قرآن

[دکتر رضا تهرانی]

قران کریم به تفکر و اندیشه بهای بالایی می دهد بطوریکه در دهها آیه خود مردم را به اندیشیدن و تعمق در مسائل فرا می خواند بدترین انسانها را، افراد بی شعور و بی فکر جامعه معرفی می کند. اما بی شک تلاش های فکری بشر همیشه به نتایج درست ختم نمی شود و برای درست اندیشیدن باید چاره ای اندیشید.

البته نباید فراموش کرد که خطاهای فکری بشر، اگرچه گاهی منشا در ساحت اندیشه داشته و ناشی از تحقیق ناکافی و یا سیر تحقیقاتی نادرست می باشند. اما در اکثر موارد ریشه خطاهای اندیشه به انحراف انگیزه فرد بر می گردد و صد حجاب از دل برآمده، دیده عقل را پوشانده و متفکر را کور و کر کرده است. (حب الشی یعمی و یصم). قران در این باره می فرماید بل یرید الانسان لیفجر امامه و لو القی معاذیره (بلکه انسان هر چه هم عذر بتراشد و توجیه کند اما ریشه بسیاری از کارهایش این است که می خواهد که جلوی باز باشد و آزادی بی حد و حصر داشته باشد.)

در هر شکل قران کریم برای مصونیت تفکر از خطا نیز دستوراتی دارد که آنها را به زیبایی هر چه تمام تر در آیاتی کوتاه و پر مغز بیان می کند که توجه به آنها برای هر انسان جویای حقیقت لازم و ضروری است و ما در اینجا به اختصار آنها را بیان می کنیم :

۱- تا علم و یقین کافی به مطلبی پیدا نکرده ای از آن پیروی نکن. (لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ [اسراء - ۳۶].)

۲- از ظن و گمان پیروی مکن و گمان را در جایگاه یقین نشان. (إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ [انجم ۲۳].)

۳- آزاد اندیش باش و از هوا و هوس خود پیروی نکن و مطابق منافعت دلیل تراشی نکن. (إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ مَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ [انجم ۲۳].)

۴- مرعوب شخصیت گذشتگان نشو و در پذیرش مسائل تابع عقل و اندیشه باش و تقلید کورکورانه از گذشتگان و سنت ها و آداب و رسوم تاریخی را نپذیر. زیرا قدمت و کهنگی یک اندیشه دلیل بر درست بودن آن نیست. (وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ

اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا وَ لَوْ كَانُوا آبَاؤَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَ لَا يَهْتَدُونَ [بقره ۱۷۰]. به ایشان گفته می شود از دستورات الهی پیروی کنید. می گویند آیا از روشهای پدرانمان دست برداریم؟ آیا اگر پدران و مادران شما شعور نداشتند شما باید جریمه ی بی شعوری آنها را بدهید؟!)

۵- مرعوب اکثریت نشو و دنباله رو عقل و اندیشه باش نه پیرو اکثریت، زیرا کم پیدا می شود که اکثریت دنبال راه درست باشند چون اکثریت مردم از ظن و گمان و هوا و هوس خود پیروی می کنند. (وَ إِنْ تُطِيعُوا أَكْثَرَهُمْ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَضِلُّوكَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ [انعام ۱۱۶]. اکثر مردم زمین چنین اند که از گمان پیروی می کنند. تو هم اگر بخواهی از آنها پیروی کنی تو را نیز گمراه می کنند چون مردم تابع گمانند نه یقین و به همین دلیل خطا می کنند.)

نظر امام باقر(ع) درباره استخاره

آیت الله جوادی آملی |

وجود مبارک امام باقر (ع) فرمود: عقائد و اخلاق و اعمالی که دارید؛ قبل از اینکه استخاره کنید، تفسیر کنید. ما گاهی بین دو تا کار مُخیر یا مردّدیم. نمی‌دانیم کدام حق است، کدام باطل؛ کدام خیر است، کدام شرّ؛ کدام حسن است، کدام قبیح؛ کدام سعادت بار است، کدام شقاوت آور. فرمود: شما عقائدتان، اوصافتان، اخلاقتان، اعمالتان، اقوالتان را چه آنهایی که متعارض دارد، چه آنهایی که متعارض ندارد؛ همه این امور را بر قرآن کریم عرضه کنید؛ اهل تفسیر باشید، نه استخاره!

خیلی به ما دستور «استخاره» ندادند

خیلی به ما دستور «استخاره» ندادند. استخاره کردن دو قسم است؛ یک دعای مخصوص استخاره است که آن واقعاً اوّل و آخرش نور است و در دعای سی‌وسوم صحیفه سجّادیه هست. هر کسی تصمیم گرفت یک کاری را انجام بدهد ولو به حسب ظاهر خیر است اما خیرش را از خدا بخواهد، همین طور وارد

کار نشود! این یک دستور اکید اسلامی است و جزء سنن ماست و بسیار کار خوبی است. این دعای استخاره، یعنی طَلَبُ الْخَيْر. یعنی خدایا! من این کار را حالا فکر کردم، دیدم که به حسب ظاهر مصلحت است؛ دارم انجام می‌دهم. من که از عواقبش خبر ندارم، از همراهانش خبر ندارم؛ تو خیر مرا در این کار قرار بده. این استخاره، یعنی طَلَبُ الْخَيْر.

استخاره قبل از فکر و مشورت؟

اما آن استخاره که انسان قبل از اینکه فکر بکند، قبل از اینکه مشورت بکند، قبل از اینکه ارزیابی بکند؛ فوراً به قرآن تفأل بزند، این کار را خیلی به ما دستور ندادند!

البته در موقع حیرت که انسان واقعاً متحیر شد؛ آن یک راه دیگری است. بنابر این اولاً آن دعای استخاره فراموشمان نشود، ثانیاً اینکه در هر کاری فکر و تدبّر و مشورت و ارزیابی و تعقل باشد و ثالثاً اگر واقعاً متحیر شدیم، ماندیم؛ نمی‌دانیم کدام کار برای ما صحیح است، کدام کار ناروا. آنوقت به قرآن استخاره می‌کنیم.

تفسیر مهمتر از استخاره!

اما وجود مبارک امام باقر (ع) فرمود: مهم تر از استخاره، «تفسیر» است. شما تمام کارهایتان را بر قرآن عرضه کنید؛ چه این آراء و اندیشه‌ها متضارب و متعارض و متنافی و مختلف باشد، چه یک اندیشه.

شما این را بر قرآن عرضه کنید، ببینید آیا مطالب قرآنی، معارف قرآنی، معانی قرآنی آن را امضاء می‌کند یا نمی‌کند. بنابراین برای همه ما؛ حالا توده مردم که مقدورشان نیست. برای ماها که در حوزه و دانشگاه به سر می‌بریم، آشنائی با یک دوره از قرآن کریم می‌شود لازم.

خطوط کلی قرآن را بفهمیم

حالا یک وقت است یکی کسی می‌شود علامه طباطبائی (رضوان الله علیه)، خُب آن جزء نوادر است. ولی اینکه خطوط کلی قرآن را بفهمیم، ترجمه اش را بفهمیم، گزیده تفسیر را بفهمیم، به تفسیر روانی از او با خبر باشیم؛ این خیلی سخت نیست، خطوط کلی قرآن را انسان بفهمد. وقتی این ترازو را فهمیدیم، آنوقت این عقائد را با این ترازو می‌سنجیم.

استخاره و انتخاب رشته

| پاسخ امام به استخاره آیت‌الله امامی کاشانی |

آیت‌الله امامی کاشانی طی نامه‌ای به تاریخ ۱۴/۱۲/۶۷ به محضر امام خمینی (ره)، نظر ایشان را درباره چند استخاره که برای تغییر رشته تحصیلی فرزندشان از پزشکی به تحصیل در حوزه علمیه قم گرفته‌اند، جویا شد. امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند؛

بسمه تعالی

فرزند خود را آزاد گذارید تا هر راهی را می‌خواهد انتخاب کند. شما و مادرش هم دعا کنید تا در آن راه موفق گردد.

روح‌الله الموسوی الخمینی



Ramlah as Sab' alayn

SHABWARI
H a d